



تفسير انجيل متى
برای مشاوران مسیحی

**The Christian Counselors Commentary
The Gospel of
Matthew**

نویسنده: شاهرخ صفوی
ویرایش: فروز باوریان
مراجع: اسپرجن، جی آدامز، متیوهنری

پیش نویس نویسنده

در خصوص انجیل متی ... تفسیر های مختلفی (اسپرین، جی آدامز، متیوهنری) وجود دارد. ما مشاوران مسیحی که امروزه به وجود روح القدس ... و منظوری که در زندگی فرزندان خدا دارد آشنا هستیم ... تفسیر عملی این آیات را بکار می بریم.

کتابی که در دست دارید... تفسیر عملی آیات می باشد... تا فرزندان خدا شباهت عیسی را کسب نمایند.

امیدواریم خواندن این کتاب باعث برکت شما بشود ... و یادشاهی خدا را همانگونه که خود وعده داده (ارمیا ۴۹) ... در دل همه فارسی زبانان جهان جای بگیرد. آمین

شاهرخ صفوی

متی ۲۵ (قدیم)

۱: «در آن زمان،

ملکوت آسمان شبیه ده ندیمه خواهد بود

که چراغهای خود را روشن کردند تا به استقبال داماد بروند.

۲: پنج تن از این ندیمه ها دانا و پنج تن دیگر نادان بودند.

۳: ندیمه های نادان چراغهای خود را برداشتند، اما روغن با خود نبردند.

۴: ولی ندیمه های دانا با چراغهای خود ظرفهای پر از روغن نیز بردند.

۵: چون آمدن داماد به طول انجامید، ندیمه ها به خواب رفتند.

۶: اما در نیمه های شب، صدایی به گوش رسید که: «داماد می آید! برخیزید و به پیشوازش بروید!».

۷: همه ندیمه ها بیدار شدند و چراغهای خود را آماده کردند.

۸: پنج دختری که روغن کافی نیاورده بودند،

چون چراغهایشان در حال خاموش شدن بود،

از پنج دختر دیگر روغن خواستند.

۹: ولی ایشان جواب دادند:

«اگر از روغن خود به شما بدهیم، برای خودمان کفایت نخواهد کرد.

بهتر است بروید و از فروشندگان

برای خودتان روغن بخرید.»

۱۰: ولی وقتی آنان برای خرید روغن رفته بودند،

داماد از راه رسید و کسانی که آماده بودند،

با او به جشن عروسی داخل شدند و در بسته شد.

۱۱: کمی بعد، آن پنج دختر دیگر رسیدند

و از پشت در فریاد زدند: «سرور ما، سرور ما، در را باز کنید!»

۱۲: اما او جواب داد: «براستی به شما می گویم، من شما را نمی شناسم!»

۱۳: پس بیدار باشید چون نمی دانید در چه روز و ساعتی باز می گردم.

۱: «در آن زمان، ملکوت آسمان شبیه ده ندیمه خواهد بود که چراغهای خود را روشن کردند تا به استقبال داماد بروند.

منظور عیسی از ... در آن زمان چیست ...؟ برگشت عیسی. منظور اینست که نمی دانید آینده چه خواهد شد ... پس امروز را برای شباهت به عیسی غنیمت بشمارید. در او باشیم ... و در او بمانیم. قبلاً ما را با برگشت دوباره خود، و آینده ای که پیش روی خود داریم آشنا کرده بود. حال صحبت از ملکوت آسمان است (ملکوت بهشت).

ما روزی خواهیم مرد ... این را همه می دانیم. اما آیا می دانیم چرا زنده نیز خواهیم ماند ...؟ آنچه دریافت کرده ایم ابدیست، که از ابتدا خواست خدا برای ما بوده. روح القدس همان نفس خداست که کلمه را انسان نمود، "و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر" (یوحنا ۱: ۱۴). می گوید، جلال او را دیدیم! چه گونه ...؟ در میوه آورده ... روح القدس نور خداست. او دل انسان از جلال افتاده را، تبدیل به دل نورانی می گرداند، و روزانه جلال می دهد، و نورش را در دنیا می افشاند. پس از مرگ نیز، پاداش زحمات خود را تا ابد دریافت می نماید. ما همان روح القدس درون خود هستیم ... نه آنکه می میرد و به فراموشی سپرده می شود. ما برای همیشه زنده شده ایم، ولی فعلاً ساکن در بدن مردنی. این حقیقت حیات فرزندان خداست. اما آنچه عیسی به ما بیش از هر کس دیگر می گوید..... اینست که خود را در بدن فانی خود نبینیم. از مرگ نترسیم. حال دیگر همه چیز دست ما نیست. هر چه بیشتر با او که در دل، صاحب حیات ما شده، و هدایت کننده راه روزانه ما شده، آشنا شویم (در دعا - کلام - مشارکت)، بیشتر دسترسی به حکمت خدا در زندگی روزانه خود خواهیم شد.

منظور عیسی از ندیمه چیست....؟ عروسی در جریان است و ندیمه ها حاضرند. سنت معمول عروسی میان یهودیان این بود، که داماد شبانه با دوستانش برای خواستگاری به منزل عروس می رفتند. ندیمه های عروس نیز، چراغهای خود را روشن کردند تا به استقبال داماد بروند. این رسمی قدیمی بود که همه با آن آشنا بودند.

ولی آنچه نادیده می گیرند، می گوید شبیه ده ندیمه خواهد بود. شبیه ... مثال است. اشاره به روح القدس است. چراغها ... دل های ماست که با چشم روح القدس منور شده، و مورد استقبال خالق و پدر حیات بخش خود قرار گرفته. صحبت از ما ایمانداران می کند. نور چراغها از روح القدس است (روغن) که در تاریکی می تابد، به حدی که همه چیز روشن می گردد، "«شما نور جهانید، همچون شهری که بر تپه ای بنا شده و نمی توان آن را از دیده ها پنهان ساخت. همچنین چراغ را روشن نمی کنند تا آن را زیر کاسه ای بگذارند، بلکه آن را روی چراغدان می گذارند تا به همه کسانی که در خانه هستند، روشنایی ببخشد. به همین شکل، بگذارید کارهای نیک شما مانند نور بر مردم بتابد، تا آنها این کارها را ببینند و پدر آسمانی تان را ستایش کنند" (متی ۵: ۱۴ تا ۱۶). اگر خود را محدود به زندگی در این دنیا بدانیم، وضع ما از بی ایمانان هم بدتر خواهد شد ... "اگر تنها در این زندگی به مسیح امیدواریم، حال ما از همه دیگر آدمیان رقت انگیزتر است" (اول قرنیتان ۱۵: ۱۹ هزاره). چرا ...؟ چون آنها با تمام دل به

راه خود ادامه می دهند، اما ما ... دودل می مانیم ... چه را انتخاب کنیم. باید با روح القدس درون خود آشنا شویم. راهی که خدا می گوید از طریق مسائل و مشکلات زندگیست. می گوید زمانی که با آن روبرو می شویم، زمان نیست که از طریق کلامش می توانیم مسئله را حل کنیم و تجربه از روح القدس درون خود داشته باشیم.

- ۲: پنج تن از این ندیمه ها دانا و پنج تن دیگر نادان بودند.
- ۳: ندیمه های نادان چراغهای خود را برداشتند، اما روغن با خود نبردند.
- ۴: ولی ندیمه های دانا با چراغهای خود ظرفهای پر از روغن نیز بردند.
- ۵: چون آمدن داماد به طول انجامید، ندیمه ها به خواب رفتند.

ده ندیمه بودند که پنج نفرشان دانا و پنج نفر نادان بودند (اینجا منظور از ندیمه، ایمانداران است). آن پنج نفر دانا ما هستیم که روح القدس (روغن/تجربه) را در دلمان (چراغدان/دل) داریم. اما می گوید ایماندارانی نیز هستند که تغییری در زندگی خود نداشته اند. آنان پیش عیسی آمدند، اما با دست خالی باز گشتند. چرا...؟ "چون کسی که به کلام گوش می دهد ولی بر طبق آن عمل نمی کند، مانند مردی است که به آینه نگاه می کند و قیافه طبیعی خود را در آن می ببیند. او خود را می ببیند ولی همین که از جلوی آینه دور می شود، فراموش می کند که قیافه اش چگونه بود." (یعقوب ۱: ۲۳ و ۲۴ مژده). می گوید ... گوش می دهد ... ولی بر طبق آن عمل نمی کند. پس اصل موضوع عمل کردن است نه گوش دادن.

آنکه کمی از همه چیز را قبول می کند، در آخر هیچ چیزی از همه چیز را قبول نخواهد کرد. صحبت از کم و زیاد بودن روغن (روح القدس) است. چگونه روح القدس روغن می سازد...؟ یا تجربه از کلام. آنکه روغن ندارد، شناختی از خدا ندارد. شاید اطلاعات بسیاری داشته باشد و با همه چیز آشنا باشد، اما اگر تجربه نداشته باشد ... اطلاعاتش بی ارزش است. ما ایمانداران همه تجربه ایمانمان را داریم. اما آیا تجربه پیامی که بعد از ایمان آوردن شنیدیم را هم داریم؟ خیر! چرا...؟ چون دست ما نبوده، نیست، و نخواهد بود. کار کلیسا است. خدا این را می گوید. چون از کلیسا خواسته ایم... دریافت نکرده ایم. رشد کلیسا دست شبان و خادمین نیست. دست روح القدس است ... که برای اعضایش می خواهد میوه آورد. کلیسا از پائین به بالا رشد می کند. منظور... کلیسا باید به نیازهای روحانی هر یک از فرزندان که پدر به آن سپرده رسیدگی نماید، ... و نه تنها اطلاعات و موعظه ای که از بالا (شبان) به پائین (اعضا) می رسد. مذهبیهون از بالا پیام را به پائین می رسانند و دیدیم که به جائی نرسیدند. اما خدا به دل نگاه می کند ... چون دل است که یا می ماند یا می رود. بله... ملکوت آسمان از ما تشکیل خواهد شد. زندگی ما آزمایش خداست.

متی ۲۵

- ۶: اما در نیمه های شب، صدایی به گوش رسید که: "داماد می آید! برخیزید و به پیشوازش بروید!"
- ۷: همه ندیمه ها بیدار شدند و چراغهای خود را آماده کردند.
- ۸: پنج دختری که روغن کافی نیاورده بودند، چون چراغهایشان در حال خاموش شدن بود، از پنج دختر دیگر روغن خواستند.
- ۹: ولی ایشان جواب دادند: "اگر از روغن خود به شما بدهیم، برای خودمان کفایت نخواهد کرد. بهتر است بروید و از فروشندگان برای خودتان روغن بخرید."
- ۱۰: ولی وقتی آنان برای خرید روغن رفته بودند، داماد از راه رسید و کسانی که آماده بودند، با او به جشن عروسی داخل شدند و در بسته شد.
- ۱۱: کمی بعد، آن پنج دختر دیگر رسیدند و از پشت در فریاد زدند: "سرور ما، سرور ما، در را باز کنید!"
- ۱۲: اما او جواب داد: "براستی به شما می گویم، من شما را نمی شناسم!"
- ۱۳: پس بیدار باشید چون نمی دانید در چه روز و ساعتی باز می گردم.

۶: اما در نیمه های شب، صدایی به گوش رسید که: "داماد می آید! برخیزید و به پیشوازش بروید!"

باز صحبت از واقعه غیر منتظره است..... در نیمه های شب. زمانی که فکرش را نمی توان کرد... داماد می آید! علامت تعجب نیز بجاست. اما توجه کرده اید که می گوید، صدایی به گوش رسید. صدا را کلام خدا مربوط به روح القدس می شمارد. البته عیسی قبلاً نیز گفته بود که نور ماه کم می شود و خورشید سقوط خواهد کرد. اما آنچه مربوط به ما می شود اینست ... که باید با روح القدس درون خود آشنا بشویم تا از کلامش ... تجربه را کسب کنیم، و اینگونه لایق خدمت در ملکوت آسمان بشویم.

۷: همه ندیمه ها بیدار شدند و چراغهای خود را آماده کردند.

وقتی **صدایی به گوش رسد** ... همه (دل های) مردم به جانب عیسی احضار خواهند شد. زمان نیست که خواست پدر در این نسل به کمال رسیده، و نسل دیگری را پرورش خواهد داد. صحبت از ملکوت آسمان است که از نتیجه کار خدا در این نسل ساخته می گردد. روح القدس تمام تجربه ای که در این زندگی بدست آورده ایم را ... برای پیشبرد مقاصد آینده خود بکار خواهد برد. چگونگی آن.... مربوط به آن زمان است.

اما منظور از **چراغهای خود را آماده کردند** چیست ...؟ عیسی جویای دل ماست، و این افراد هر چه از خدا می دانستند و تجربه کرده بودند (**چراغدان**) را، برای تقدیم به عیسی (هدیه به خدا) **آماده کردند**. خدا حیات نو را به ما داد که در او تجربه یابیم. روح القدس اگر محزون گردد، بی تجربه خواهیم ماند (به بهشت نمی رویم). تجربیات روزانه (ناخواسته) معمول که داریم، ارزشمند هستند، اما باید مطابقت با کلام داشته باشند تا قابل قبول بگردند.

اما ... تجربه دیگری نیز هست، و آن توکل ... از قصد ... به روح القدس درون خودمان است. خدا کارش از قصد است. از قصد ... فرزندش را بخاطر ما قربانی کرد. ما روزگاران را مانند بقیه مردم نمی گذرانیم. ممکن است پای به پای آنها قدم بر می داریم، اما قدم های ما هر یک معنی دارند. "**ای غلامان، اربابان زمینی خود را با احترام و ترس، و با اخلاص قلبی، اطاعت کنید، چنانکه گویی مسیح را اطاعت می کنید.** و این نیز، تنها نه هنگامی که مراقب شما هستند، همچون کسانی که در پی جلب رضایت انسانند، بلکه همچون غلامان مسیح، اراده خدا را با دل و جان به جای آورید. با شور و شوق خدمت کنید، چنانکه گویی خداوند را خدمت می کنید نه انسان را،" زیرا می دانید که خداوند به هر کس پاداش همه کارهای نیکش را خواهد داد، خواه غلام باشد، خواه آزاد." (افسیان ۶: ۵ تا ۸ هزاره).

منظور چیست...؟ شغلی که بخاطر امرار معاش، اگر همراه با روح القدس باشد، **پاداش همه کارهای نیکش را خواهد گرفت**. یعنی نگذارید شیطان شما را در مورد شغلی که دارید آزار رساند (خوشم نمی آید - استحقاق بیشتری دارم - از فلان شخص بدم می آید - و غیره)، همه از شیطان است. بدن ما دست شیطان است. پولس می گوید، "**بلکه تن خود را سختی می دهم و در بندگی خویش نگاهش می دارم، مبادا پس از موعظه به دیگران، خود مردود گردم.**" (اول قرننتیان ۹: ۲۷ هزاره). بی جهت نیست که می گوید هر یک از ما ... با وجود آنکه فرزند خدا هستیم ... باید بخواهیم، بکوئیم، و بجوئیم، تا دریافت کنیم ... "**بخواهید، که به شما داده خواهد شد؛ بجوئید، که خواهید یافت؛ بکوئید، که در به رویتان گشوده خواهد شد.** زیرا هر که بخواهد، به دست آورد و هر که بجوید، یابد و هر که بکوئد، در به رویش گشوده شود." (متی ۷: ۷ و ۸ هزاره).

"مسیحی" ... مذهب نیست. عیسی جانش را به همین خاطر داد. جان او را خود محوران و خود خواهان دنیا گرفتند. همه باید بخاطر گناهی که در خود داریم (چه آنچه به ارث برده ایم، و چه خودمان به آن افزوده ایم)، توبه کنیم تا راه برگشت باز گردد. این کار ... خواستن و کوبیدن و جوئیدن را دارد. اگر شناختیم اشکال ما چیست، به کلیسا رجوع می کنیم و از آنها

می خواهیم آیاتی که مربوط به آن می باشند را جدا کرده و هر هفته سه یا چهار آیه را برای خود تفسیر می کنیم و می نویسیم چه ربطی به ما دارد. هر هفته این کار را با آیات دیگر ادامه می دهیم، تا افکار خدا راجع به موضوع، برای ما آشکار بگردد. آنوقت زمانست که در دعا جواب خود را در دلمان (روح القدس) بدست می آوریم. البته شناخت آنچه باید انجام بدهیم ممکن است احساس بدی بیاورد. همین نیز از شیطان است. آنچه از خداست را بدن (ابتدا) قبول نمی کند. روح حاکم بر بدن است که باید خنثی شده، و از میان برداشته شود، تا خدا آنجا را پر کند.

اگر روح القدس را در وجود خود داریم، او تمام وقت..... در حال مصاحبت با ماست. خداست که درون ما با ما حرف می زند. حتی زمانی که متوجه نیستیم با ما حرف می زند. ولی ... چرا متوجه نمی شویم.....؟ بهتر نیست متوجه حضور او در تمام لحظات روز خود باشیم؟ آنوقت خیالمان راحت است. آنوقت چراغدان ما روغن خود را دریافت خواهد کرد. هر چه روغن بیشتر بهتر. روح القدس تشنه کلامش می باشد.

۸: پنج دختری که روغن کافی نیاورده بودند، چون چراغهایشان در حال خاموش شدن بود، از پنج دختر دیگر روغن خواستند.

افسوس ... زمانی رخ می دهد که هشدار روح القدس نادیده گرفته شود. خدا بار ها از مسائل و مشکلاتی که در پیش است خبر می دهد، و ... چگونه فرزندان می توانند در امان بمانند. منظور شناخت هشدار روح القدس است که قبل از وقایع ناگزیر و ناخودآگاه خبر را بما می دهد. چون وقت کم است و هر تجربه ای زمان خود را لازم دارد. تجربیات نیز ... تنها ... در راهی که خدا فراهم ساخته مجاز است.

روح القدس مسئله را به ذهن می آورد، و آنرا کمال شادی می انگارد ... چون تشنه کلامش می باشد. و با ایمان به آنکه اگر بخواهد، بگوید، و بجوید... بدست خواهد آورد ... روغن دیگری برای چراغدانش فراهم می سازد. روغن همان خصوصیات بهشتی است ... که از خدا نصیب ما می شود، و هدیه ما به پدر می باشد.

اینجا صحبت از ملکوت آسمان است ... نسل دیگریست ... که در آن مشارکت خواهیم داشت. آنچه برای ما مسیحیان حیاتیست این است ... حیات ما محدود به این بدن از جلال افتاده نیست. جسم ما می میرد، اما روح ما (روح القدس درون ما) که شامل تاریخ زندگی ماست، همیشه زنده خواهد ماند. هشدار روح القدس را بشنوید، خدا می گوید، "اگر تنها در این زندگی به مسیح امیدواریم، حال ما از همه دیگر آدمیان رقت انگیزتر است" (اول قرنطیان ۱۵: ۱۹ هزاره). چرا؟ چون مرگ عیسی را ناچیز شمرده ایم. اگر همانکه ایمان آورده ایم، قبول بداریم که پس از مرگ ... نزد عیسی (بهشت) خواهیم رفت، آنوقت برداشت بهتری از آنچه در پیش است را، خواهیم داشت. همانگونه که ایمان آوردیم، همانگونه نیز رشد خواهیم کرد. اما نه مانند مذهبیهون. مذهبیهون نیاز هایشان را در دعا پیش خدا می بردند و با ایمان منتظر می ماندند ... تا جواب را بگیرند. شاید می گرفتند ... شاید نمی گرفتند! معلوم نبود. ارتباطی با آنها نداشت.

فکر می کردند تنها دست خداست! حال نیز اکثر ایمانداران به مسیح همین راه را تکرار می کنند...! اما آیا این چیز است که عیسی جانش را برای آن داد...؟ عیسی با مذهب مخالف است. درست است که کلام یکیست، اما برداشت فرزندان تا بحال تنها در تصورشان بوده. در جلسات مطالعه کلام، نظر و تصورات مختلفی راجع به آیات گفته می شود. اما تجربه این آیات... شامل نظرات و تصورات گوناگون نیست. روح القدس در کار است... و آنچه از کلامش باشد را هضم کرده... روغن می افزاید.

روح القدس تنها کلامش را می پذیرد. اگر نخواهیم و نکوبیم و نجوئیم... بدست نمی آوریم. باید از کلیسا خواست... تا از طریق کلام خدا... ما را در روح القدسی که درون خود داریم، پرورش دهد. اگر نخواهیم و... بدست نخواهیم آورد. این حقیقتی است که از خود ما شروع می شود. اگر... از شبان یا خادمین کلیسا... نخواهیم... کلام را... در ما پرورش دهند... انتظار دریافت از خدا را نباید داشته باشیم... جز آنکه مانند مذهب یون امیدوار بمانیم!

حال ما فارسی زبانان در میان ملت ها، اولین قوم شراکت در روح القدس را تشکیل می دهیم. دیگران از او شنیده اند، اما... ما او را دریافت کرده ایم و می دانیم او می خواهد روغن افزایش دهد. از خود ما شروع می شود. آنوقت خدا بکار می افتد... و شبان و خادمین را مجبور می کند در راه کاربرد از کلام، آموزش لازم را بدست آورند. اگر آنها را... حمایت کنیم... آنها نیز بدست خواهند آورد. آنوقت است که کلام وارد زندگی اعضای کلیسا خواهد گردید (چه، کاریزماتیک، چه انجیلی، و چه غیره). جنبه تجربی کلام فرق ندارد از کدام فرقه یا مکتبی هستیم. اگر روح القدس را در خود داریم، اوست که کلام را در ما هضم کرده میوه می آورد. ما او را از میوه اش می شناسیم. فرق ندارد چگونه می پرستیم و یا دعا می کنیم. ما هستیم که باید دریافت کنیم، نه کس دیگر. پرورش در کلام راهیست که خدا در کلامش نشان داده... یعقوب ۱: ۲ تا ۶. مسائلی که ما ایمانداران داریم را می توان نام برد. اما اگر ایمانداری نتواند بداند چیست که گرفتارش کرده، می تواند آنرا حدس بزند. هر چه باشد همان پله اول است. آنچه حدس زده (و ابتدا همه حدس می زنیم اشکالمان چیست)، شامل تعدادی از آیات خداست. هر یک از این آیات را عمیقاً مطالعه می کنیم (تفسیر کرده به سوالات پاسخ می دهیم) تا ببینیم چه ربطی به ما دارند.

اینگونه به اشکالی که در ماست، و راه حلی که مربوط به ماست، برای ما فاش می گردد. راه حل آن چگونه است...؟ بعنوان مثال، وقتی در دل خود راضی شدیم که اشتباه ما نسبت به کسی چه بوده... و نقش ما در آن چگونه بوده... می توانیم هر جایی که صدمه وارد کرده ایم را جبران کنیم (معمولاً با پرداخت هزینه یا نیازمند بخشش). این نه تنها برای سلامتی ما در این دنیاست، بلکه برای عاقبت ما اعتبار خواهد داشت.

در این دنیا کمتر کسی هست که اظهار ندامت کند... و نیازمند بخشش باشد. همه حق دارند و از آن دفاع می کنند. و آنکه بر عکس، محبت دارد... باید دو برابر آن حق بجانب... حق دار باشد. خدا گفت و شد. حق با خداست. خدا ما را روزانه شبیه عیسی می کند. چگونه...؟ با خوردن کلام (نان روزانه). این کار تنها در کلیسا انجام می گیرد. اما خادمین کلیسا باید از جنبه عملی کلام آشنا شده باشند تا بتوانند فرزندان را در مسیر تنگ و باریک نگاه بدارند. هر مسئله

ای حدود چهار هفته لازم دارد تا از طریق کلام به مرحله اجرا برسد. در این چهار هفته، کلامی که مربوط به نیازشان می باشد را مطالعه کرده، تفسیر آن را می نویسند، و همچنین چه ربطی به آنها دارد. این ارتباط فرزند ... با روح القدس درون خودش است ... که جواب را باید بدهد.

من می توانم برای صلح در جهان دعا کنم، اما اگر صلح در خودم نداشته باشم، چه فایده ...! نیازها و ضعف های ما هستند که صلح ما را از میان می برند. اگر به طریق عیسی عمل کنیم و ... از قصد ... به کلیسا پناه نبریم، مانند فرزند گم شده زندگی جهنمی را خواهیم داشت. تبلی یکی از صفات شیطان است. دیگری خجالت است. این دو مورد اصلی شکست ایمانداران بوده اند. اشکال تنها در خادمین کلیسا نیست ... بلکه بیشتر در اعضای آن است. اعضا می نشینند و به موعظه بسیار عالی و عمیق گوش می دهند ... و بعد از کیف کردن ... به خانه و زندگی بر میگردند. آنکه فقط به شنیدن پیام راضی می شود، خود را محدود به آن خورده نان های روی زمین می نماید ... گول شیطان را خورده ... و حوصله خواستن و کوبیدن و جوئین ها را ندارد. می رود کلیسا و هر چه می شنود بنظرش خوب است. نمی داند خدا در مورد خوب و بد می گوید ... "عیسی به او فرمود: «چرا مرا نیکو می خوانی؟ هیچ کس جز خدا نیکو نیست.»" (مرقس ۱۰: ۱۸ مژده). نیکو همان خوب ماست.

اما حال که با حقیقت آشنا شده اند ... تقصیر خادمین مگذارند. اعضا هستند ... که نیاز را دارند، نه خادمین. و خدا گفته ... اگر نخواهید، نکوبید، و نجوئید ... بدست نمی آورید. جنبه روحانی دارد ... نه عقلانی. خادمین تنها یار و مشاور ما هستند، ولی ما هستیم که باید دریافت کنیم. به آنچه داریم قناعت نکنیم. نیاز های ما را روح القدس به ذهن ما می آورد. اگر به او گوش ندهیم ... گول شیطان را خورده ایم. اگر مسیر آب زلال را ببندیم ... آب می گندد.

چون چراغهایشان در حال خاموش شدن بود، از پنج دختر دیگر روغن خواستند. حال ببینید ... زمانی که دیگر دیر شده ... با دتسپاچگی می خواهند هر چه تجربه داریم را به آنها منتقل کنیم! اگر هم امکانش بود، عیسی آن را نخواهد شناخت. حقیقت در روح است، و روح یک جنبه عمومی دارد و یک جنبه خصوصی. هر دو را روح القدس هدایت می کند. روابط میان فردی آیات مربوط به خود را دارند ... و رابطه با روح القدس درون خودمان ... مربوط به نیازی است که در آن موقع داریم ... که آیات مربوط به آن را دارد. هر موردی شامل آیات است که چکیده نظر خدا را در رابطه با آن نشان می دهند. یک آیه یاب این آیات را نشان می دهد. اگر بخواهیم دیدگاه جامعی از برآورد مسئله پیدا کنیم، روشی هست که منتشر شده است (۱).

کیست که نخواهد مسئله اش را خدا حل کند ...! اتفاقاً خدا می گوید در چنین مواقعی آن را ... کمال شادی بیانگارید. کاریست که خدا می فرماید راهنمای امین (دو یا سه نفر/ دو یا سه روح القدس) را لازم دارد تا در زمان آزمایش آیات ... تصحیح و اصلاح لازم بر مبنی کلام را انجام رسانند تا جوابش را خودش ... از روح القدس درون خودش ... دریافت کند. این یار امین (جمع سه روح در نام عیسی) ... انتظار را بر روح القدس که درون فرزند است قرار می دهند ... نه از برداشتی که خودشان دارند. زمینه سازی برای کار روح القدس لازم است (۲). اوست که باید برداشت کند. آن دو یا سه نفری که عیسی می گوید باید حضور داشته باشند، برای حفاظت

از راه تنگ باریکیست که آزمایش آیات ... نیازمند به آن است. این افراد آخر هر هفته جواب به سوالات مربوط به آیات را بررسی می کنند (مطابق با راه تنگ و باریک (۳)) و کمک می کنند جواب مسئله بدست آید. اما ... کاریست که ایمان می خواهد. ابتدا فرزند خدا تکیه بر ایمانی می کند که این یک یا دو نفر مشاور به طریق کار خدا دارند. معمولاً نیز شبان یا خادمین چنین مسئولیتی را بعهده می گیرند. البته اگر شناخت بکار بردن کلام را داشته باشند ... ایمان لازم را برای مشاوره خواهند داشت. اما بیاد داشته باشیم ... تجربه ما ... به درد خودمان می خورد. هر تجربه ای که از خدا می باشد ... ویژه خاص فرزند خداست. ممکن است در خصوص دو نفر به نظر یکی آید ... ولی در دراز مدت کارش فرق خواهد کرد. هیچ دو نفری با هم یکی نیستند. اما خدا هر یک را بگونه ویژه خواست خود ... در محدوده راه تنگ باریک مکتب آموزش و پرورش می نماید. مذهب یون خدایشان خودشان بود. هر چه می دانستند و می خواستند ... به خورد مردم می دادند ... و می گفتند حالا در دعا بمان تا ... روزی جوابت را بدست آوری. اما عیسی جانش را داد تا روح القدس در ما ... جواب را زود ... و مطابق کلامش ... به ما می بدهد و اجرا نیز بکند. خدای فرزند درون اوست، و باید خود تجربه کند و حمایت گردد.

صحبت از ملکوت آسمان است که از روح القدس های با تجربه از عیسی تشکیل می گردد. **روغن تجربه از خداست**. هر چه روغن بیشتر باشد، در آینده استفاده بیشتری از آن می گردد. ما مال این دنیا نیستیم. با قیمت گزافی از شیطان خریداری شده ایم ... "زیرا با قیمت گزافی خریده شده اید. پس بدنهای خود را برای جلال خدا بکار ببرید." (اول قرن تیان ۶: ۲۰ مژده). نباید خود را به این زندگی و جسم ناسالم خود محدود بداریم ... **"اگر امید ما به مسیح فقط منحصر به این زندگی باشد، از تمام مردم بدبخت تر هستیم!"** (اول قرن تیان ۱۵: ۱۹ مژده). چرا...؟ چون نه تنها همیشه در اشتباه بسر خواهیم برد ... بلکه راه برگشت را نیز برای خود سخت تر می کنیم. صحبت از نفوذ برتر یکیست در مقابل دیگری ... دو روح بیش نیست ... اگر خدا را بخواهیم ... باید او را بخواهیم ... بگوئیم ... و در کلامش بجوئیم ... تا بدست آوریم. هر چه زودتر به این حقیقت پی ببریم، رشد روحانی ما آسانتر خواهد شد. ببینید سر **روغن** (تجربه از عیسی) ... دعواست ...!

۹: **ولی ایشان جواب دادند: "اگر از روغن خود به شما بدهیم، برای خودمان کفایت نخواهد کرد. بهتر است بروید و از فروشندگان برای خودتان روغن بخرید."**

آنچه در باره آینده می خوانیم ... تنها تصور آن را می توانیم بکنیم. تجربه را زمانی که در آن هستیم بدست خواهیم آورد. اما بنظر می رسد، آنکه **روغن** بیشتری داشت، امکانات بیشتری نیز داشت ... **از فروشندگان بخرید**. نه آنکه **روغن** را به کسی می توان انتقال داد. **روغن ... تجربه شخصی است ... و انتقال ناپذیر است**. منظور عیسی اینست ... تجربه شخصی از آیات کلامش (نه تصور) ... در صدر همه چیز قرار دارد. آنکه سکه را پیدا کرد و آن را

مخفی کرد، بدون روغن ماند. هیچ استفاده ای از آن نبرد...! گول روزگار را خورده بود. روزگار مشغولش نگاه داشته بود. نه آنکه نمی خواست. اما فکر می کرد روزی ... در آینده بدستش خواهد رسید. اگر برای **چراغدان** خود **روغن** بخواهیم ... ابتدا آن روغن کثیف باید بیرون رانده شود ... تا جایش را **روغن** نیکو بتواند پر نماید. صحبت از جنگ روحانیست ... که حمایت ما را لازم دارد تا موفق بگردد. باید از روح القدس درون خودمان ... آیات را بخواهیم، بگوید، و بجوید(۳ب) ... تا بدست آوریم. خود بخود بدست نمی آید ... البته همیشه تصور به آنکه بدست آمده پدید می آید. در انتظار خدا ماندن هم خیلی آسان است ... و امید بخش. اما خدا می فرماید ... **"پیش روی انسان راهی هست که در نظرش درست می نماید، اما در آخر به مرگ می انجامد."** (امثال ۱۴: ۱۲ هزاره). **راهی** که صحبت از آن می کند چیست ...؟ راه معمولی زندگی روزانه. هر چه درد سر کمتر ... بهتر. شیطان ... راه خدا را پر از دردسر می خواند. می گوید زور زدن خوب نیست ... استراحت بهتر است. البته استراحت را همه می دانیم ... خدا آفرید ... اما شیطان آن را از دست فرزند پنهان نموده ... و نوع بی کفایت استراحت را به خورد فرزند داده. حال که روح القدس درون ما آزاد شده ... او تشنه کلامش می باشد ... و عمل جراحی روحانی خود را ... با بکار بردن کلامش ... شباهت عیسی را در فرزندش پرورش می نماید. یادمان باشد عیسی مخالف مذهب است. باید از قصد بوده باشد ... یعنی پایداری (۳ب) ... و یک یا دو نفر دیگر نیز با او همفکر باشند ... تا انجام بگیرد. اینست آنچه عیسی گفته و می خواهد ... و جانش را برای ما فدا کرد. نه آنکه مثل مذهب یون برویم کلیسا گوش کنیم ... و برگردیم منزل و به فراموشی بسپاریم. یا برای مسئله ای که داریم ... دعا کنیم و بخواهیم دیگران نیز دعا کنند.... و آنوقت دست روی دست گذاشته انتظار جواب خدا را بکشیم. خیر برادر و خواهر مسیحی. کلامش را دوباره بخوانید و ببینید چه ربطی به شما دارد. آنوقت از کلیسا بخواهید و بگوئید و بجوئید تا ربطش را در شما انجام رسانند. ربط آن اهمیت حیاتی دارد. به شماست که ربط دارد. آن تجربه ای که از قصد و مطابق با کلام ... بدست آمده (نه تصور)، روغن چراغدان ماست، نه آنچه با مرور زمان (شیر یا خط) ... عایدمان می گردد. زندگی خودمان را باید مطابق با معیار خدا ... بسازیم ... نه هر چه پیش آید خوش آید. خدا می گوید پیش آمد بدی دارد ... **"پیش روی انسان راهی هست که در نظرش درست می نماید، اما در آخر به مرگ می انجامد."** (امثال ۱۴: ۱۲ هزاره). باید در دعا با روح القدس مشورت کرد. اوست که خواست پدر را اجرا می کند. او پدر سلامتیست. هیچکس از سلامتی نمرده. همه ناسلامتی ها بخاطر راه زندگی می باشد که مخالف خداست. کنترل زندگی ما را روح القدس ... می خواهد بدست گیرد.

اگر به عیسی ایمان آورده ایم ... باید به آنچه در مورد آینده می گوید نیز ... ایمان آورده باشیم. البته مسائل زندگی این دنیا بقدر کافی مشغول کننده هستند ... که وقت فکر کردن راجع به دنیای بعدی را نمی دهند. و اگر هم به فکر آینده خود نیز بوده باشیم ...

شیطان می گوید عیب ندارد بدست خواهی آورد. یعنی اصلاً فکرش را هم نکن. در صورتی که اگر از روح القدس ... بخواهیم ... بدست خواهیم آورد. اینگونه ... ارزشی که دارد ... و نفوذی که در زندگی روزانه ما دارد ... پایمال می کند. فراموش نکنیم که همان عیسی ... که جانش را برای نجات ما داد ... می گوید ... در فکر آینده خود باشیم. چون حیات ما ابدیست ... و اینجا تجربه لازم خدا را بدست می آوریم. وقتی می بینیم که بسیاری از ایمانداران بدون **روغن** مانده اند و حیاتشان در خطر است، متوجه اهمیت این مثال عیسی می شویم.

۱۰: **ولی وقتی آنان برای خرید روغن رفته بودند، داماد از راه رسید و کسانی که آماده بودند، با او به جشن عروسی داخل شدند و در بسته شد.**

داماد از راه رسید. پایان نسلی که در آن هستیم را اعلام می کند. ملکوت دنیا تبدیل ... به ملکوت آسمان می گردد. و در حقیقت دنیا ... خود را از میان می برد. شیطان به حد کمال خود می رسد. دیگر جایی برای حیات انسان باقی نمانده. خدا تا آخرین لحظه استفاده می کند تا انسان را نجات دهد. اما عیسی می گوید، ناگهان **داماد از راه رسید**.

عیسی خود را داماد می نامد، چرا...؟ در فصل ۲۲ راجع به آن توضیح داده است. حال زمان آن عروسی جاودان فرا می رسد. عیسی با کلیسایش ... همه کنار یکدیگر جمع می شوند. جشن بزرگی خواهد بود. با صدای شوقا از آسمان آغاز خواهد شد. اگر بخواهیم در آنجا حضور داشته باشیم، **چراغدان** ما باید **روغن** داشته باشد. هر چه بیشتر بهتر. هم در این دنیا به نفع ماست ... و هم در دنیای آینده ما.

اما بسیاری از نجات یافتگان **بدون روغن** می مانند. اسماً مسیحی هستند. چرا...؟ چون کلیسای مسیح مذهبی شده. می گویند همانکه بخواهید (و خواستن های بسیاری را در مقابل ما قرار می دهند) ... بدون نیاز به کس دیگر ... به شما داده خواهد شد! حال شاید یک عمر طول بکشد ... ولی داده خواهد شد. نمی دانند که از تولد به ما داده شده ... اما هر یک باید آن را ... هضم کنیم. باید قادر به حمایت کافی از خواست روح القدس درون خود داشته باشیم ... تا آنچه نیاز داریم را ... او بدست آورد. اوست که باید و می تواند بدست آورد.

اما ارزش تجربه ... و لزوم تجربه شخصی از آیات مقدس به حد کافی انتشار نیافته. اشکال در اعضای کلیسا است ... که از کلیسایشان نخواستند نیازشان را برآورده نمایند. کلیسا نیز در این ناکامی شریک بوده است. طریق اجرای ... آنچه موعظه می گردد داده نمی شود. آن دو یا سه نفری که در کلیسا می باشند ... لازم است همفکر باشند ... تا عیسی نیز حضور یابد. تقدیس خدا به کلیسایش نیاز دارد.

تقدیس از طریق

روح القدس درون فرزند + کلامی که مربوط به اوست + حمایت یک یا دو نفر

انجام می گیرد.

کلیسا باید دلیل و اهمیت تجربه عیسی را بیان کند ... و بتواند انجام رساند. البته هر فرزند باید بخواند، بگوید، و بجوید ... اما خادمین نیز باید بخوانند و بگویند و بجویند ... تا با جنبه عملی کلام خدا آشنا بشوند. پیام باید تبدیل به میوه بگردد ... اگر نه ... چه فایده. اگر بهترین موعظه را بدهید ... نهایت محبت را به اعضا بکنید ... اما روغنی برای کسی نساخته باشید چه فایده. خدا فرزندانش را به کلیسا می سپارد تا از کلام ... تجربه یابند.... نه از فرمایشات من و شما. خدا شنیدنی نیست ... تجربیبست. تجربه عیسی ... به کلیسایش نیاز دارد. مذهب نیست. برداشت هر شخص از آیات، به درد خودش می خورد. هر فرزند خدا خصوصیات ویژه زندگی خود را دارد، و باید تجربه خودش را از روح القدس دریافت کند. اما ... چون برداشت اولیه ممکن است اشتباه باشد ... دو یا سه نفر باید همفکر بوده باشند تا هضم روح القدس بگردد.

اینگونه تجربیات (روغن) هستند ... که خدا می خواهد. یاداش این تجربیات را نیز خود فرزند و کلیسایش دریافت خواهند کرد. "هر کجا که باشیم، خدا تک تک ما را می شناسد؛ چشمان تیزبین خدای زنده، همه ما را چنانکه هستیم می بیند. چیزی وجود ندارد که از نظر خدا پنهان بماند، و به اوست که باید سرانجام حساب پس بدهیم" (عبرانیان ۴: ۱۳ قدیم). بله حساب هر یک از ما پس از مرگ ... با عیسی است. آنکه دارد، باید چند برابرش بکند. هدایا به همین خاطر داده شده. پرورش فرزند خدا در کلامش ... جواب یکایک حساب های کلیسا را می دهد. نیمی از نجات یافته گان ... به ایمانداران با تجربه پناه می آورند، چون ناگهان تجربه ... اصل موضوع شده ...! حاضرند هزینه بپردازند ... اما دیر شده. نمی دانند ... ارزش آن در رایگان بودن آن است. اما دیگر دیر شده. عیسی بار ها هشدار داده بود که حساب و کتابی در کار است. حساب کتاب حیات خدا ... دست فرزند و کلیسایش می باشد ... که با آن چکار می کنند.

اگر عیسی را تنها برای زندگی روزانه خود بخواهیم ... دو دل خواهیم شد ... و اشتباه کرده ایم. زندگی روزانه ما در این دنیای از جلال افتاده ... در زنده ماندن خلاصه می شود. تلاش همه برای بهبودی حال و احوالشان است. همه باید تلاش کنند تا زنده بمانند. این تلاش ها نیز ... روز بروز ... بیشتر می شوند. این تلاش ها را می کنیم ... تا زنده بمانیم ... در صورتی که ... همین الان در خدا زنده ایم. به همین خاطر عیسی می گوید ... "زیرا هر که بخواند جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد؛ اما هر که به خاطر من جان خود را از دست بدهد، آن را باز خواهد یافت. انسان را چه سود که تمامی دنیا را ببرد، اما جان خود را ببازد؟"

انسان برای باز یافتن جان خود چه می تواند بدهد؟ «زیرا پسر انسان در جلال پدر خود به همراه فرشتگانش خواهد آمد و به هر کس برای اعمالش پاداش خواهد داد.» (متی ۱۶: ۲۵ تا ۲۷ هزاره). اعمال است که افکار خدا را پرورش می دهد ... و به این خاطر نام آن را ... پرورش کلام گذاشته ایم.

این بار تشویق می کنیم ... تنها کلام ... مورد استفاده قرار بگیرد و نان روزانه نیز بگردد. اینجاست که می بینیم ... پرورش در کلام (روغن چراغدان) چه اهمیتی برای فرزند خدا دارد. اصل کار ایمان آوردن نیست! خدا می خواهد ببیند یا آن ایمان چه می کنیم. مطابق با کلام میوه آوردیم ...؟ یا هرچه خواست خودمان بود را انجام دادیم (چراغدان بی روغن). هابیل و قابیل را بیادمان می آورد. یکی آنچه خواست خدا بود را انجام داد، و دیگری آنچه از دست و پا و عقل و هوش و نابغه بودن خود بود را، با کمال افتخار به خدا داد. فکر می کنید کدام قبول شد...؟ دلی آنکه با خدا بود.

خدا کجای دل است...؟ در روح القدس است ... که حیات را به دل داده ... و ما را به سوی او جذب می نماید. آیات کلام نور راه ماست ... "کلام تو برای پاهای من چراغ، و برای راه من نور است." (مزمور ۱۱۹: ۱۰۵ هزاره). و روح القدس محرک و هدایت کننده ماست در راه خدا. قبلاً محرک ما چه بود...؟ دنیا ... و آنچه در آن می گذرد. نباید کاری که عیسی کرد را فراموش کنیم ... "دنیا و آنچه را در آن است، دوست مدارید. اگر کسی دنیا را دوست بدارد، محبت پدر در او نیست." (اول یوحنا ۲: ۱۵ هزاره).

اما در بسته شد ...! چرا...؟ چون پایان نسل فرا رسید. دنیا در حال انفجار است. ما که روح القدس را داریم، همه از این دنیای جلال افتاده خوانده شده ایم، که در آینده با بدن های جلال یافته ... در دنیای جلال یافته ... پدر پُر جلال را خدمت کنیم. این پیام ملکوت آسمان است. پس همانکه ایمان آوردیم کافی نیست. همه به بهشت نمی رویم! نجات را یافته ایم تا او را شریک زندگی خود سازیم. عیسی ما را به همین خاطر نجات داد ... که در تمام لحظات با ما زندگی کند. اما... از ما شروع می شود. زندگی روحانی ما ... احتیاج به کلیسای ما دارد (دو یا سه نفر). دست خود ما نیست.

پرورش کلام از موعظه شروع می شود ... و با روح القدس و کلامش، میوه می آورد (۵). روغن همین است. پس محدود به این دنیا و بدن فانی که در آن هستیم ... نباید باشیم. آنچه آرزوی ماست، بودن با پدر ما در بهشت است، نه در جهنم. اگر در این زندگی، آن روغنی که واجد شرایط خدا هست را بدست آوریم ... واجد شرایط ... زندگی ... کار ... خوراک ... و هوای سالم ... را در بهشت خدا ... خواهیم داشت. این پیام ملکوت آسمان به ملکوت زمین است. هر که ایمان دارد، بشنود.

۱۱: کمی بعد، آن پنج دختر دیگر رسیدند و از پشت در فریاد زدند: "سرور ما، سرور ما، در را باز کنید!"

وقتی دنیا در حال انفجار است و انسان تنها مانده، فریاد می زند، "سرور ما، سرور ما، در را باز کنید!". باورشان همیشه چه اتفاقی دارد می افتد، و از روی ناچاری می خواهند و می کوبند و می جویند. اما **در بسته شد!** درب ما کی بسته می شود...؟ آخر عمرمان. آنکه ایمانش را بکار برده... **روغن** لازم را بدست آورده... و پاداش خود را خواهد گرفت. یادمان باشد... نیمی از ایمانداران پشت در مانده... خواهند خواست، خواهند کوبید، و خواهند جویید، اما... دیگر جائی برای آنها نیست، و عیسی آنها را رد می کند. شیطان است که دنیا را به پایان می رساند. می پرسند پس این خدای شما کجاست...؟ می گوئیم، تا فرصت باقیست... به عیسی مسیح ایمان بیاورید، و آنوقت... این خدائی که می پرسید "پس کجاست"... مثل ما پیدا خواهید کرد. نه تنها برای زندگی در این دنیا... بلکه حیات ابدی که با خدا خواهید داشت.

اما فراموش نکنیم که عیسی می گوید، این ندیمه ها که **از پشت در فریاد زدند: "سرور ما، سرور ما، در را باز کنید!"** همه ایماندار بودند. علامت تعجب نشان بجائی است. ندیمه های بی روغن... ایماندارانی می باشند که با بقیه دنیای گناه کار... دچار هلاکت جهنم می گردند...! این را از زبان خود عیسی می شنویم، نه آنچه نظر من و شما می باشد. هر یک روح خدا را بگونه ویژه خود... در دل داریم، و محدود به زندگی با او می باشیم.

منظور اینست... هر چه من تجربه دارم را روح القدس... نسبت به نیازی که داشته ام... در من بوجود آورده... و به درد خود من می خورد. در آخرت ایمانداران دیگری از من خواهند خواست به آنها تجربه دهم، اما انتقال کننده نیست. حد اقل تصورش را می خواهند بکنند... فکر می کنند کافیست. زورشان را زمانی که روح القدس لازم دانسته بود... نزدند... و حال که عمر پایان رسده می گویند... **سرور ما، سرور ما.**

حال که از خود ما شروع می شود... چکار باید کرد...؟ نباید بگذاریم کلیسای ما بجائی برسد که مانند این ندیمه ها... نیمی از ایمانداران دچار این بدبختی بشوند. کوشش ما باید این باشد که هدف کلیسا را تقدیس نماییم. اینگونه است که روح القدس وارد کار می گردد. خدا می گوید، **"بلکه همچون آن قدوس که شما را فرا خوانده است، شما نیز در همه رفتار خویش مقدس باشید؛ چرا که نوشته شده است: «مقدس باشید، زیرا من قدوسم.»"** (اول پطرس ۱: ۱۵ و ۱۶ هزاره). توجه کردید... نمی گوید با تمام افکار و اطلاعات وسیعی که از عیسی دارید مقدس باشید... می گوید **در همه رفتار خویش مقدس باشید.**

رفتار روحانی ما نیاز به یاری کلیسا دارد. خودمان نمی توانیم با شیطان بجنگیم. این را خدا از ابتدا بما نشان داد. ولی حالا می ببینیم که اگر تجربه نداشته باشیم **(روغن)** به بهشت نمی رویم. البته مقصر چیزی نیست جز ضعف روحانی ما. از کجا می دانستیم که ایماندار به جهنم نیز خواهند رفت! اینها مکشوفات روح القدس است که برای باز کردن چشم روحانی ما صورت می گیرد.

اگر بخواهیم بگونه جامع کلام به اساس موضوع بنگریم ... می بینیم خدا روح القدس را داد ... تا ما را ... شبیبه به عیسی کند. و اگر شباهتی از عیسی در ما نباشد ... چیزی نیست که عیسی خواهد شناخت. خدا تنها خودش را می شناسد ... و به همین منظور ... می گوید دستخوش ماجراهای این دنیا نشویم ... چون خدای دیگری در کار است.

اگر هدف من ... شما ... و کلیسا، چیزی جز تقدیس باشد ... شیطان نخواهد گذاشت. کلیسای سنتی برای ما پله اول بود. در آن ... ایمان آوردیم و رشد کردیم. اما حال چکار باید بکنیم؟ دعا ... خیر، خواندن بیشتر کلام ... خیر. یا اینکه ... از کلیسا بخواهیم مشکلات و نیاز های ما را از طریق آیاتی که مربوط به ماست ... و روح القدس که در خود داریم ... حل نماید ... آمین.

البته دعا و خواندن کلام همیشه لازم است. ولی نه آنکه در جای راحت بنشینیم و نیاز روح القدس را نادیده بگیریم. می توانیم ساعت ها زانو زده دعا کنیم ... شاید زانو درد هم بگیریم! مغز ما ممکن است سوت بکشد از آن همه اطلاعات که بدست آورده ایم! هشدار است به مسیحیان فارسی زبان. ما روح القدس را می شناسیم، اما اگر آنگونه که خدا می خواهد از آن استفاده نکنیم ... به بهشت راه نخواهیم یافت. فرق ندارد در کدام فرقه یا کلیسا هستیم ... به زبان ها دعا می کنیم یا نمی کنیم ... کمک های کلان به مستضعفین می کنیم یا نمی کنیم. به کار های ما بستگی ندارد، ولی ... به کار های خدا اهمیت بسیاری دارد. صحبت از رفتن به بهشت است یا جهنم. صحبت از راهیست که پیش گرفته ایم. ما نیز پس از پایان زندگی در این دنیا، در جمع ایمانداران به عیسی خواهیم پیوست ... برای حساب رسی. و بیاد می آوریم آنچه عیسی قبلاً گفته بود، "در آن روز بسیاری مرا خواهند گفت: "سرور ما، سرور ما، آیا به نام تو نبوت نکردیم؟ آیا به نام تو دیوها را بیرون نراندیم؟ آیا به نام تو معجزات بسیار انجام ندادیم؟" اما به آنها به صراحت خواهم گفت، "هرگز شما را نشناخته ام. از من دور شوید، ای بدکاران!" (متی ۷: ۲۲ و ۲۳ هزاره).

فکر می کردیم چون ایمان آورده ایم ... این حرف ها مربوط به بی ایمانان است. ولی حالا می بینیم عیسی با خود ما ایمانداران صحبت می کند. نشناخته بودیم که عیسی گفته بود ... "اما چون آن مدافع که از نزد پدر برای شما می فرستم بیاید، یعنی روح راستی که از پدر صادر می شود، او خود درباره من شهادت خواهد داد،" (یوحنا ۱۵: ۱۶ هزاره). خواهد آموخت (هضم) ... از طریق روح القدس است که انجام می گیرد ... و به یادتان خواهد آورد کلامی می باشد که مربوط به ماست.

۱۲: اما او جواب داد: "براستی به شما می گویم، من شما را نمی شناسم!"

تعجب کرده بودند ... چون دعای گناه کار را خوانده بودند و ایمان آورده بودند! با این حال ... عیسی می گوید ... "براستی به شما می گویم، من شما را نمی شناسم!"

براستی ... یعنی درست است که ایمان آورده اید، ولی براستی ... شما را نمی شناسم. چرا ...؟

چون چراغهایشان در حال خاموش شدن بود. یادمان باشد، خدا روح است ... و به روحی که در دل ما گذاشته غیرت بسیار دارد، "هیچ خدای غیر را پرستش مکن، زیرا یهوه که نام او غیور است، خدایی است غیور" (خروج ۳۴: ۱۴ هزاره). اگر روح فرزندش ... بی مصرف بماند،

فکر می کنید چه خواهد شد ...؟ آفرین. **”براستی به شما می گویم، من شما را نمی شناسم!“**. دست خودمان است که چه کار باید کرد.

حال که متوجه حیات ابدی خود شدیم، می بینیم خواست و منظور خدا از نجات ما چیست. ایمان آوردن دلیل بر شایستگی نیست، **”از همین رو، پیوسته برای شما دعا می کنیم تا خدای ما شما را شایسته دعوت خود شمارد و به نیروی خود هر قصد نیکو و هر عملی را که از ایمان شما سرچشمه می گیرد، به انجام رساند،“** (دوم تسالونیکیان ۱: ۱۱ هزاره). عملی نیکو است ... که روغن به دل می افزاید. اگر عملی نیکو انجام نگردد، چه خواهد شد...؟ آفرین. چراغهایشان در حال خاموش شدن خواهد بود.

باورمان نمی شود که نصف ایمانداران به جهنم می روند...! **”در آن روز بسیاری مرا خواهند گفت: ”سرور ما، سرور ما، آیا به نام تو نبوت نکردیم؟ آیا به نام تو دیوها را بیرون نراندیم؟ آیا به نام تو معجزات بسیار انجام ندادیم؟“ اما به آنها به صراحت خواهم گفت، ”هرگز شما را نشناخته ام. از من دور شوید، ای بدکاران!“** (متی ۷: ۲۲ و ۲۳ هزاره). نگفته ای بی ایمانان ... گفته ... ای بدکاران. شاید این حرف ها تنها یک هشدار است و برای ... ما ... حقیقت ندارد. اما ... چطور ممکن است کلام خدا حقیقت نداشته باشد، یا کمی حقیقت و کمی واقعیت داشته باشد. واقعیت ... قرن هاست که حقیقت خدا را رد کرده.

ولی به هر صورت ... هر کس مسئول زندگی خود است اما ... آنچه عیسی گفته را نمی توان ناگفته گذاشت ... حال چه خوشمان بیاید یا نیاید. به ایمانداران می گوید ... **”براستی به شما می گویم، من شما را نمی شناسم!“**.

۱۳: پس بیدار باشید چون نمی دانید در چه روز و ساعتی باز می گردم.

عیسی صحبت از ملکوت آسمان می کند و هشدار می دهد ... وقت کم است ... چون نمی دانید در چه روز و ساعتی باز می گردم. عُمر ما نیز کم است و در دست خداست. وقتی چشم از جهان می بندیم ... چشم بر عیسی خواهیم گشود و **روغن** خود را باید در دلمان داشته باشیم، اگر نه ... جزء کسانی خواهیم بود که می گوید ... **”براستی به شما می گویم، من شما را نمی شناسم!“**. حواسمان باید با روح القدس باشد که چه می گوید. آنچه خواست اوست را به عقب نیاندازیم ... بهانه نگیریم. هر چه عقب بیاندازیم ... شیطان قویتر می شود. هر چه بهانه بگیریم، شیطان کیف می کند. انتظار از خدا تنها در دعا نیست ... باید بخواهیم، بگوئیم، و بجوئیم تا موفق بشویم. یک یا دو نفر از کلیسا نیز باید حضور داشته باشند.

۱۴: «ملکوت آسمان را می توان با این حکایت نیز تشریح کرد:

مردی عزم سفر داشت. پس خدمتگزاران خود را فراخواند و به آنان سرمایه ای داد تا در غیاب او، آن را به کار بیندازند.

۱۵: به هر کدام به اندازه توانایی اش داد:

به اولی پنج کیسه طلا، به دومی دو کیسه طلا

و به سومی یک کیسه طلا. سپس عازم سفر شد.

۱۶: اولی که پنج کیسه طلا گرفته بود، بی درنگ مشغول خرید و فروش شد و طولی نکشید که پنج کیسه طلای دیگر هم به دارایی او اضافه شد.

۱۷: دومی هم که دو کیسه طلا داشت، همین کار را کرد

و دو کیسه طلای دیگر نیز سود برد.

۱۸: ولی سومی که یک کیسه طلا داشت،

زمین را کند و پولش را زیر سنگ مخفی کرد.

۱۴: «ملکوت آسمان را می توان با این حکایت نیز تشریح کرد: مردی عزم سفر داشت. پس خدمتگزاران خود را فراخواند و به آنان سرمایه ای داد تا در غیاب او، آن را به کار بیندازند.

حالا دیگر صحبت از ایمان آوردن و چگونه شباهت عیسی را بدست می آوریم نیست. حال حسابداری و حساب پس دادن است. رشد روحانی ما به اینجا رسیده که می توانیم مسئولیت پذیر باشیم. اینجا مسئولیت ما را نشان می دهد. مثال واضحی می باشد، برای امروز، اما در آن زمان رشد روحانی کمتر بود. قسمت عمده مثال، **آن را به کار بیندازند** است. **سرمایه** چیست...؟ آفرین. **روح القدس**. یعنی روح القدس را بکار بیندازیم. بعضی این مثال را مربوط به خادمین کلیسا می شمارند، **خدمتگزاران خود را فراخواند**. اما از دیدگاه روحانی، مربوط به همه ایمانداران می باشد. **سرمایه** ایست که همه از آن برخورداریم، و می خواهیم استفاده کنیم.

۱۵: به هر کدام به اندازه توانایی اش داد: به اولی پنج کیسه طلا، به دومی دو کیسه طلا و به سومی یک کیسه طلا. سپس عازم سفر شد.

کیسه طلا چیست...؟ هدایا. **طلا** خود هدیه است و **کیسه** نشان تعدادی است که دارد. همه این طلا را داریم چون بدون آن نمی توانیم خواست خدا را اجرا نمائیم. اما می گوید، **به اندازه توانایی اش!** اینجا مردم ایراد می گیرند ... که چی! ... **به اندازه توانایی اش!** ... چرا تبعیض در کار خداست. مگر من کمتر از او هستم؟ **توانایی** کم است...؟ یعنی او بهتر از من است؟ شما کی هستید که بمن چنین حرفی را میزنید...! معمولاً این حرف ها را کسانی میزنند که هدیه خود را دریافت نکرده اند، یا اهمیت به آن نمی دهند. خیر، به همه هدیه داده و می خواهد از همان یک هدیه اولی شروع به استفاده نمائیم. حال **پنج کیسه طلا**، یک کیلو طلا، چه فرقی دارد. منظور کسی نیست که **کیسه طلا** نداشته باشد. ضمناً قیمت طلا روز بروز بالا می رود. ربطی به کتاب متی ندارد، اما جالب است که طلای دنیا نیز دارد ارزش زیادی پیدا می کند.

۱۶: **اولی که پنج کیسه طلا گرفته بود، بی درنگ مشغول خرید و فروش شد و طولی نکشید که پنج کیسه طلای دیگر هم به دارایی او اضافه شد.**

می گوید، **بی درنگ مشغول خرید و فروش شد.** وقتی روح القدس برانگیخته می شود، هیچ قدرتی جلوی او را نمی گیرد... **بی درنگ.** البته ابتدا اشکال های مختلف روی می آورند، اما هدیه خود جاذبه خود را در روح القدس دارد، و بر آنها چیره خواهد شد. هدایا از طریق روح القدس کار می کنند. اوست که هدیه را بکار می گیرد و از درّه ها، و کوه های سر راه، عبور می کند، و از ما استاد کار می سازد. خدمت به خدا در هدیه ای که داریم، یکی از پر برکت ترین کار های ماست. وقتی خدا را برکت می دهیم، خودمان نیز برکت دریافت می کنیم. چرا...؟ چون خدا در خود ماست. روح القدس رضایت کار را می رساند. در حال انجام خدمت است که روح القدس احساس برکت را می رساند. پس غیرت ما نسبت به خدا بخاطر اوست که برای روحش غیرت بسیار دارد، "**هیچ خدای غیر را پرستش مکن، زیرا یهوه که نام او غیور است، خدایی است غیور**" (خروج ۳۴: ۱۴ هزاره). غیرت همان خواستن، کوبیدن و جوئیدن است. شیطان است که باید بیرون رانده شود و جایش را خدا پر کند. اما دو یا سه نفر باید باشند تا کار انجام بگیرد. اینجاست که هدیه مشاوره مسیحی بدرد جنبه عملی کلام خدا می خورد. یکی هدیه بشارت دارد، و یکی هدیه دعا، و دیگری مشاوره. افرادی نیز هستند که هر سه هدیه را دارند. خدا را شکر برایشان. ما حسادت نداریم. هدایا برای پیشبرد خواست خدا می باشند، و در این رابطه، کارشان به سود همه ماست. مشاوران مسیحی کارشان کمک به حل مسائل و مشکلات مردم است از طریق خدا. مجانی و در کلیسا.

آن **روغن** لازم، نیاز به یک یا دو نفر خادم کلیسا دارد تا از طریق کلام بدست آید. در نتیجه، این دو نفر در کلیسا باید توانائی انجام کار را داشته باشند. اینجاست که ارزش هدیه لازم مشاوره مسیحی بدرد می خورد(۴). مشاوره مسیحی هدیه ایست که تقریباً همه داریم. همه می

دانیم کلام چیست و منظورش چیست. مشاوره مسیحی نیز همین است. هیچ لزومی ندارد کلام را حفظ کرده باشید یا اطلاعات زیادی داشته باشید. کلام خدا و روح القدس در فرزند است، که جواب گو خواهند بود. مشاور تنها وسیله حفظ راه تنگ و باریک خداست. البته نیاز به آموزش دارد (مطالعه کتاب مکتب روحانی مشاوره مسیحی و راهنمای مشاوران مسیحی). اما اصل کار در انجام آن است، و هیچکس در این خدمت تنها نیست، چون دو یا سه مشاور باید شراکت داشته باشند تا مشاوره انجام شده مطابق با کلام انجام بگیرد. بله هدیه های خدا بسیارند و هر یک حساب خود را دارند.

۱۷: دومی هم که دو کیسه طلا داشت، همین کار را کرد و دو کیسه طلای دیگر نیز سود برد.

آنکه پنج تا داشت، سرش گرم کارش بود و پنج تا دیگر را ساخت. "از همین رو، پیوسته برای شما دعا می کنیم تا خدای ما شما را شایسته دعوت خود شمارد و به نیروی خود هر قصد نیکو و هر عملی را که از ایمان شما سرچشمه می گیرد، به انجام رساند،" (دوم تسالونیکیان ۱: ۱۱ هزاره). عملی نیکو است..... که روغن به دل می افزاید. اما نیاز به طلا دارد. هدیه، طلای روح القدس است. هدیه ... نهفته در روح القدس است که با آن به دنیا آمده ایم. آنکه آنرا دارد و برای دیگری بکار می برد، و هر دو از عیسی بهره می برند، چون روح القدس درون خودشان می داند چیست که احتیاج دارند. آنکه هر چند تا را داشت، یکی را بکار برد، و پاداش خود را گرفت، چون روغن به دل افزود. یادمان باشد، آنکه چراغ دانش روغن نداشت "براستی به شما می گویم، من شما را نمی شناسم!".

۱۸: ولی سومی که یک کیسه طلا داشت، زمین را کند و پولش را زیر سنگ مخفی کرد.

البته هدایا نیاز به آزاد بودن روح القدس دارند. روح القدس اگر محزون باشد، هدیه نیز محزون خواهد بود. ابتدا خودمان باید راه خدا را رفته باشیم تا هدایای ما نیز براه بیافتند. پس خودمان نیاز به یک یا دو نفر داریم تا به آنجا برسیم که از هدایا بتوانیم روغن به دل بی افزائیم. یعنی از طریق خدمت خود، جای خود را در بهشت محفوظ بداریم. بیاد داشته باشیم... کلام خدا می گوید نصف تعداد ایمانداران قبول نخواهند شد.

۱۹: «پس از مدتی طولانی، ارباب از سفر برگشت و خدمتگزاران خود را برای تسویه حساب فرا خواند.
 ۲۰: شخصی که پنج کیسه طلا گرفته بود، پنج کیسه دیگر نیز تحویل داد و گفت: "ای سرور، به من پنج کیسه دادی، این هم پنج کیسه دیگر که سود کرده‌ام".
 ۲۱: ارباب به او گفت: "آفرین، ای خادم نیک و امین! حال که در امور کوچک امین و درستکار بودی، مسئولیتهای بیشتری به تو خواهم سپرد. بیا و در شادی من شریک شو!"
 ۲۲: «سپس آن که دو کیسه گرفته بود جلو آمد و گفت: "به من دو کیسه طلا دادی، این هم دو کیسه دیگر که سود کرده‌ام".
 ۲۳: «ارباب به او گفت: "آفرین، ای خادم نیک و امین! حال که در امور کوچک امین و درستکار بودی، مسئولیتهای بیشتری به تو خواهم سپرد. بیا و در شادی من شریک شو!"

۱۹: «پس از مدتی طولانی، ارباب از سفر برگشت و خدمتگزاران خود را برای تسویه حساب فرا خواند.

پس از مدتی طولانی چیست...؟ می تواند طول عمر ما باشد، یا طول این نسل خدا. در رابطه با **مدت** عمر ما، پس از مرگ، روح القدس ما به نزد عیسی باز می گردد. منظور... پس از مرگ... حساب و کتابی هست. "و **مردگان را دیدم، چه خرد و چه بزرگ، که در برابر تخت ایستاده بودند. و دفترها گشوده شد. دفتری دیگر نیز گشوده شد که دفتر حیات است. مردگان بر حسب اعمالشان، مطابق با آنچه که در آن دفترها نوشته شده بود، داوری شدند**" (مکاشفه ۲۰: ۱۲ هزاره). ولی خدا را شکر که **دفتر حیات** نیز هست. **دفتر حیات** یعنی چه...؟ آنچه با روح القدس انجام رسانده ایم در **دفتر حیات**، یعنی در خاطر روح القدس، ثبت می شود. **مردگان بر حسب اعمالشان، مطابق با آنچه که در آن دفترها نوشته شده بود، داوری شدند.** خدا در همه انسان ها هست، اما شیطان آنان را محزون کرده. به این خاطر امکان انجام خواست خدا را ندارند. این افراد زندگی شیطانی داشته اند و به صاحب خود بر می گردند.

۲۰: شخصی که پنج کیسه طلا گرفته بود، پنج کیسه دیگر نیز تحویل داد و گفت: "ای سرور، به من پنج کیسه دادی، این هم پنج کیسه دیگر که سود کرده ام".

۲۱: ارباب به او گفت: "آفرین، ای خادم نیک و امین! حال که در امور کوچک امین و درستکار بودی، مسئولیتهای بیشتری به تو خواهم سپرد. بیا و در شادی من شریک شو!"

آنکه تجربه (روغن) از کلام کسب کرده ... می تواند روغن به دل بی افزاید. آنچه خدمت می کنیم، روغن را افزوده بخود می کنیم. آنکه از روح القدس استفاده کرده تا شبیه به عیسی بشود، آخر عمر یار (مشاور) دیگران خواهد بود برای استفاده از روح القدس که درون خود دارند. می توان گفت دو نوع روغن هست، یکی روغن شباهت، و دیگری روغن خدمت. عیسی می گوید هر دو را می شناسد و می گوید، "آفرین، ای خادم نیک و امین! حال که در امور کوچک امین و درستکار بودی، مسئولیتهای بیشتری به تو خواهم سپرد. بیا و در شادی من شریک شو!". شادی خدا در بهشت است. اما... این مسئولیتهای بیشتر کدامند....؟ "پس آن غلام امین و دانا کیست که اربابش او را به سرپرستی خانواده خود گماشته باشد تا خوراک آنان را به موقع بدهد؟ خوشا به حال آن غلام که چون اربابش باز گردد، او را مشغول این کار ببیند. امین، به شما می گویم، که او را بر همه مایملک خود خواهد گماشت". (۲۴: ۴۵ تا ۴۷ هزاره). حال همه چیز روشن شد. ما خادمین نسل بعدی خواهیم شد. اگر غلام امین و دانا بوده باشیم..... دو نوع روغن شباهت، و روغن خدمت لازم است. روغن شباهت تبدیل به روغن خدمت می شود. حال متوجه می شویم چطور نصف ایمانداران به بهشت نمی روند. دروازه بهشت کجاست....؟ "آفرین، ای خادم نیک و امین!..... بیا و در شادی من شریک شو!". ضمناً، این روغن شباهت تبدیل به روغن خدمت نیز می شود.... و در کلیسا صورت می گیرد. اگر کلیسا چنین بینشی را نداشته باشد، آنچه در این قسمت می خوانیم، بی فایده است. ممکن است در دنیای آنها هنوز جای نگرفته و وقت بیشتری را لازم دارند تا قبول بدارند. عیب نیست. اما برای خادمی که در کار روغن افزائی می باشد، این پند را از عیسی قبول می کند، که تقدیس و خدمت از کلیسا شروع می شود. منظور خدا را باید از طریق روح القدس شناخت. روح القدس از هدایای فرزند استفاده می کند تا کلیسا و جامعه بیرونش را برکت دهد. اما برکتی که... از ایمان آوردن.... به شباهت... و هدیه خدمت... بیانجامد. اگر فرمول بخواهید، همین است. البته ایمان آوردن مربوط به مبشرین کلیسا است. اما شباهت و خدمت تنها در مشاوره کلیسا است. دو یا سه نفر باید حضور داشته باشند تا عیسی شرکت کند. روح القدس هست، ولی کافی نیست. کلام باید مورد بررسی روح القدس قرار بگیرد تا خوراک خود را دریافت کند. تمام آیات خدا در محور این مطلب صحبت می نمایند.

۲۲: «سپس آن که دو کیسه گرفته بود جلو آمد و گفت: ”به من دو کیسه طلا دادی، این هم دو کیسه دیگر که سود کرده‌ام.“

۲۳: «ارباب به او گفت: ”آفرین، ای خادم نیک و امین! حال که در امور کوچک امین و درستکار بودی، مسئولیتهای بیشتری به تو خواهم سپرد. بیا و در شادی من شریک شو!“

کسانی که دو هدیه دریافت کرده بودند نیز بکار انداختند و مورد قبول واقع شدند. اینها نیز آخر عمرشان مسئول خدمت به خدا خواهند شد. **در شادی من شریک شو!** منظور چیست.....؟ خدمتی که به خدا در آخر عمرمان می‌کنیم، با خدمت در این دنیا فرق دارد. خدمت به خدا، در دنیای جلال دار، **شادی** دارد نه زحمت. ما در بهشت خواهیم بود، و خدمت ما بهشتی خواهد بود، صرف نظر از آنکه مسئول جلال یافتگان خواهیم بود یا نه. آنچه کلیسا باید بخواهد است، **بیا و در شادی من شریک شو.**

۲۴: «آنگاه خدمتگزاری که یک کیسه طلا گرفته بود، جلو آمد و گفت:

”سرورم، می دانستم که آنقدر مرد سختگیری هستی

که از زمینی که چیزی در آن نکاشته ای،

محصول درو می کنی،

و از زمینی که بذر در آن نپاشیده ای

محصول جمع می کنی.

۲۵: پس، از ترسم پولت را زیر سنگ مخفی کردم

تا مبادا از دست برود. بفرما، این هم پول تو!

۲۶: «اما ارباب جواب داد: ”ای خادم بدکار و تنبل!

تو که می دانستی من آنقدر سختگیرم

که از زمینی که چیزی در آن نکاشته ام،

محصول درو می کنم،

و از زمینی که بذر در آن نپاشیده ام

محصول جمع می کنم،

۲۷: پس چرا پولم را به صرافان ندادی

تا وقتی از سفر برمی گردم سودش را بگیرم؟“

۲۸: سپس اضافه کرد: ”پول این مرد را بگیرید و به آن شخصی بدهید

که ده کیسه طلا دارد.

۲۹: چون کسی که بتواند آنچه را که دارد خوب به کار ببرد،

به او باز هم بیشتر داده می شود.

ولی کسی که کارش را درست انجام ندهد،

آن را هر چقدر هم کوچک باشد از دست خواهد داد.

۳۰: حالا این خدمتگزار را که به درد هیچ کاری نمی خورد، بگیرید

و در تاریکی بیندازید، تا در آنجا از شدت گریه،

دندانهایش را بر هم بفشارد.“

۲۴: «آنگاه خدمتگزاری که یک کیسه طلا گرفته بود، جلو آمد و گفت: "سرورم، می دانستم که آنقدر مرد سختگیری هستی که از زمینی که چیزی در آن نکاشته ای، محصول درو می کنی، و از زمینی که بذر در آن نپاشیده ای محصول جمع می کنی».

۲۵: پس، از ترسم پولت را زیر سنگ مخفی کردم تا مبادا از دست برود. بفرما، این هم پول تو!"

می گوید خدمتگزاری که یک کیسه طلا گرفته بود... می گوید..... بفرما، این هم پول تو! در دنیا، اگر در شغلی که آموزش کار، و ابزار کار، به شما داده شده، بکار مشغول نباشید، شما را اخراج می کنند. اما آنکه مشغول کار است، خدا می گوید، «ارباب به او گفت: "آفرین، ای خادم نیک و امین! حال که در امور کوچک امین و درستکار بودی، مسئولیتهای بیشتری به تو خواهم سپرد. بیا و در شادی من شریک شو!». پطرس موضوع را اینگونه بیان می کند، "تا اصالت ایمانتان در بوته آزمایش به ثبوت رسد و به هنگام ظهور عیسی مسیح به تمجید و تجلیل و اکرام بینجامد، همان ایمان که بس گرانبهاتر از طلاست که هرچند فانی است، به وسیله آتش آزموده می شود" (اول پطرس ۱: ۷ مزاره). ما در این دنیا آزموده می شویم برای خدمت در دنیای دیگر. آنگونه نیست که دعای گناه کار را خواندیم و حیات جاودان را دریافت کردیم. آنچه برداشت کرده ایم را باید استفاده کنیم. حیات ابدی بستگی به تجربه ایست که هضم شده، و در دل، جای گرفته. همه مثال ها حکایت از تجربه از کلام است. روح القدس را داریم، حال باید کلام را بکار ببریم. چه در رابطه با رشد روحانی خود، و چه در رابطه با خدمت به دیگران. باید از کلیسا بخواهیم، بگوئیم، و بجوئیم. چاره نیست. هر که ایمان دارد بشنود.

۲۶: «اما ارباب جواب داد: "ای خادم بدکار و تنبل! تو که می دانستی من آنقدر سختگیرم که از زمینی که چیزی در آن نکاشته ام، محصول درو می کنم، و از زمینی که بذر در آن نپاشیده ام محصول جمع می کنم،

۲۷: پس چرا پولم را به صرافان ندادی تا وقتی از سفر بر می گردم سودش را بگیرم؟"

۲۸: سپس اضافه کرد: "پول این مرد را بگیرید و به آن شخصی بدهید که ده کیسه طلا دارد.

منظور اینست که هر چه بیشتر محصول بیاوریم، بذر بیشتری بدست خواهیم آورد. بذر پیامیست که از کلام سرچشمه می گیرد. وقتی بذر در زمین خوب کاشته شود (زمینه سازی کار روح القدس (۲))، چند برابر بذر دیگر تولید می کند، "ولی خدا قادر است که هر نعمتی را برای شما بیفزاید تا همیشه در هر امری کفایت کامل داشته، برای هر عمل نیکو افزوده شوید" (دوم قرنتیان ۹: ۸ قدیم). روح القدس در ما تشنه کلامش می باشد. هر وقت مسئله یا مشکلی پیش می آید، ندا را می دهد که اشکالی در زندگی هست و باید به خدا رجوع کرد. مذهب یون مسئله را در

دعا نگاه می داشتند و منتظر می ماندند تا جواب را دریافت کنند. اما موفق نبودند. عیسی جانش را داد تا موفقیت حاصل گردد. ما مسیحیان فارسی زبان روح القدس را می شناسیم، و می خواهیم از آن بهره ببریم. این همان پله اول بهشت است که بلیط آن را با شباهت به عیسی می خریم. سپس از هدیه ای که داریم استفاده می کنیم تا دیگران را کمک کنیم. این پله دوم است. اگر هر دو را داریم، موجود بهشتی هستیم، و برکات زیادی (بذر) بدست می آوریم. مبارک باشد.

۲۹: **چون کسی که بتواند آنچه را که دارد خوب به کار ببرد، به او باز هم بیشتر داده می شود. ولی کسی که کارش را درست انجام ندهد، آن را هر چقدر هم کوچک باشد از دست خواهد داد.**

اینجا عیسی آنچه برداشت کرده ایم را دوباره به خاطر می آورد. "**پس این امور را همواره به شما یادآوری خواهم کرد، هرچند آنها را می دانید و در آن حقیقت که یافته اید، استوارید**" (دوم پطرس ۱: ۱۲ هزاره). ما فراموش کاریم. بدن فرسوده به دنیا می آید، و هر چه از قدیم در خانواده بوده را به ارث برده ایم. می گوید، **هرچند آنها را می دانید و در آن حقیقت که یافته اید، استوارید، همواره به شما یادآوری خواهم کرد.** ما یادآوری را از موعظه کلیسا بدست می آوریم. اما موعظه باید همراه آیاتی باشد که پس از دادن پیام، اعضا آنها را مطالعه کنند و جواب سوالات را بدهند. پیام (افکار) مسئولیت کاربرد (رفتار) آن را نیز دارد. افکار خدا به تنهایی کافی نیست (تصور ایجاد می کنند). راه های خدا افکار را بکار برده و می آورند. اما این کاریست که تنها در کلیسا رخ می دهد (قبلاً گفته شد). چیزی نیست که دعا کنیم و منتظر آن باشیم. عیسی جانش را داد. برای چی.....؟ برای آنکه مانند مذهب یون نیاشیم. حال با شنیدن حقیقت از کلام خدا، متوجه منظور خدا در یکایک ما می شویم. می بینیم که هر یک از ما، بنا به برداشتی که از روح القدس می داریم، باید به آن اهمیت بدهیم و اجرا نماییم، چون خواست خدا این است که به بهشت برویم. راه رسیدن به بهشت این است. البته نشانه های بسیاری از بهشت را وقتی ایمان می آوریم، در دلمان بدست می آوریم. کسی نیست که با شادی پرستش نکند. اما این کافی نیست. چون حس خوبی می کنیم..... نشان آن نیست که به بهشت می رویم. این حقیقت را قبلاً بدست آوردیم. عیسی می خواهد نشانی از آنچه گفته (از خود) را، در ما ببیند تا ما را برای مقاصد پدر به او معرفی کند. آن نشان عیسی تنها در کلیسا بدست می آید. هر که ایمان دارد بشنود. ایمان از ترس از خدا بدست می آید. اگر باکی نداریم، احتیاجی به ایمان هم نداریم. اما ما نشانی از بهشتی که خدا می گوید را بدست آورده ایم. هیچوقت رحمت او را فراموش نخواهیم کرد. او راهی برای ما باز کرد، زمانی که هیچ راهی برای ما نبود. کوهی که جلوی ما بود را از سر راه برداشت. این حقایقت ما می باشند که هیچ وقت فراموش نخواهیم کرد. بیاد یکدیگر می آوریم، چون به سادگی می توان از راه تنگ و باریک خارج شد. دو یا سه نفر ایماندار (روح القدس) باید همفکر باشند تا عیسی حضور پیدا کند. این راه خداست، نه راه مذهب. مذهب تصور می کند. عیسی اجرا می کند. مراجع مذهب، رابی، امام،

بعضی خادمین کلیسا، و کلاً ... انسان یا شیعی می باشد. مسیحیان خدا را از طریق روح القدس و کلامش ... مرجع خود می شمارند، و کشیش، شبان، شیخ، و خادمین عیسی ... مسئول فراهم ساختن امکان چنین کاری را بعهده می گیرند. آموزش، تنها کافی نیست. آموزش و پرورش در روح القدس و کلامش کفاف را می دهد. هر فرزند خدا برداشت ویژه خود را دارد. "پس آن غلام امین و دانا کیست که اربابش او را به سرپرستی خانواده خود گماشته باشد تا خوراک آنان را به موقع بدهد؟ خوشا به حال آن غلام که چون اربابش باز گردد، او را مشغول این کار ببیند. امین، به شما می گویم، که او را بر همه مایملک خود خواهد گماشت." (متی ۲۴: ۴۵ تا ۴۷). خوراک به موقع یعنی چی....؟ یعنی وقتی احتیاج به خدا پیدا کردیم، به کلیسا روی آوریم تا از طریق یک یا دو نفر دیگر، خوراک به موقع خود را دریافت نمائیم.

۳۰: حالا این خدمتگزار را که به درد هیچ کاری نمی خورد، بگیرید و در تاریکی بیندازید، تا در آنجا از شدت گریه، دندانهایش را بر هم بفشارد."

می گوید، به درد هیچ کاری نمی خورد. پس خدا کار دارد.... و به کارگر احتیاج دارد. دنبال کسی می گردد که بخواهد کار کند و به درد کاری بخورد. چه کاری....؟ استفاده از هدایا. در کلیسا است که ایمان آوردیم، و در کلیسا است که هدایا خود را شناسائی می کنیم. روح القدس است که هدایا را آشکار می کند. اگر با روح القدس درون خود ارتباط پیدا کرده باشیم (روح القدس کلامش را در ما هضم می نماید - شفا)، اوست که هدیه حقیقی را آشکار می کند و بذر به آن می افزاید. اگر رشدی در خدمت نمی بینیم، یا اشکال در ما است، یا اشکال در راه ما است. اگر انعطاف پذیر باشیم، هر اشکالی را کمال شادی می انگاریم، نه آنکه آن را نادیده بگیریم یا خودمان را ملامت کنیم. عیسی محکوم نمی کند. خودمان را محکوم نمی کنیم چون می دانیم از شیطان است. آنکه به درد هیچ کاری نمی خورد است که محکوم گردید. اما چکار باید کرد، چون اشکال هنوز پای برجاست..... پناه به کلیسا. هر چه مربوط به عیسی می باشد، باید دو یا سه ایماندار همفکر بوده باشند تا عیسی حضور یابد، "این را نیز به شما می گویم که اگر دو نفر از شما اینجا بر روی زمین درباره چیزی که از خدا می خواهید با هم یکدل باشید، پدر آسمانی من آن را به شما خواهد داد. چون هر جا که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من آنجا در میان آنها حاضرم." (متی ۱۸: ۱۹ و ۲۰).

۳۱: «هنگامی که من، مسیح موعود، باشکوه و جلال خود و همراه با تمام فرشتگانم بیایم،
آنگاه بر تخت باشکوه خود خواهم نشست.
۳۲: سپس تمام قومهای روی زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من ایشان را از هم جدا خواهم کرد،
همان طور که یک چوپان، گوسفندان را از بزها جدا می کند؛
۳۳: گوسفند ها را در طرف راستم قرار می دهم و بزها را در طرف چپم.
۳۴: «آنگاه به عنوان پادشاه، به کسانی که در طرف راست منند خواهم گفت: "بیایید ای عزیزان پدرم!"
بیایید تا شما را در برکات ملکوت خدا سهیم گردانم،
برکاتی که از آغاز آفرینش دنیا برای شما آماده شده بود.

۳۱: «هنگامی که من، مسیح موعود، باشکوه و جلال خود و همراه با تمام فرشتگانم بیایم، آنگاه بر تخت باشکوه خود خواهم نشست.

اینجا عیسی می گوید، **همراه با تمام فرشتگانم بیایم...** مگر ما (این نسل) قرار نیست فرشتگان آینده خدا باشیم. اگر قبول واقع شویم، فرشتگان خدا خواهیم بود. این را تا اینجا درک کرده ایم. اما **همراه کدام فرشتگانم بیایم؟** پس معلوم است که صحبت از فرشتگان نسل قبلی است. او با نسل قبلی خود می آید تا این نسل را برای نسل بعدی فراهم سازد. اما توجه داشته باشیم می گوید، **هنگامی ... که من بیایم.** یعنی نه حالا. بعضی برداشت از آیات را مربوط به امروز ما می شمارند. خیر... عیسی نیامد کسی را محکوم کند. جانش را داد تا هر یک از ما در زمان کافی خود، با حمایت کلیسا، رشد روحانی خود را داشته باشیم. نه تنها شنیده باشیم، بلکه تجربه یابیم. این مذهب نیست. ما ایمانداران مزه خدا را در دلمان چشیده ایم و می دانیم از این دنیا نیست. اما همانطور که خدا می گوید، لازم است بیدار شویم، **پس بیدار باشید چون نمی دانید در چه روز و ساعتی باز می گردم.** باید زمینه کار روح القدس را برای خودمان و کلیسا فراهم سازیم. خدا در روح القدس و کلامش خلاصه می شود. اما برداشت هر کس مختص به نیاز **بموقع** اوست. و آن نیاز به دو یا سه نفر دارد، تا عیسی حضور پیدا کرده، ایمان تبدیل به میوه گردد. ایمان بدون عمل فایده ندارد، "برادران من، چه سود اگر کسی ادعا کند ایمان دارد، اما **عمل نداشته باشد؟ آیا چنین ایمانی می تواند او را نجات بخشد؟**" (یعقوب ۲: ۱۴ قدیم). نجات در عمل است ... نه در تصور. ما فکر نمی کنیم نجات یافته ایم ... چشیده ایم.

آنگاه بر تخت باشکوه خود خواهم نشست. شما راجع به آن **تخت باشکوه** چه فکر می کنید....؟ من تا اینجا که خواندم، می دانم که جای بسیار مخصوصی است، چون بسیاری از ایمانداران مورد قبول واقع نمی شوند (و فکر می کردم این مطلب مربوط به بی ایمانان است). البته من شیرینی خدا را چشیده ام و می دانم این تنها چاشنی یا پیش غذای اصلی است. ما در پرستش است که از آن خرده نان هائی که از سفره پدرمان به ما رسیده، به وجد می آئیم. هیچ قدرتی نمی تواند ما را از او جدا سازد. اما ما با آنچه دریافت کرده ایم، باید کار نیز بکنیم. باید هر یک از هدایای خود استفاده کنیم. برای آن روزی که آن تخت نشین، **بر تخت باشکوه خود** خواهد نشست. روز بهشت است. جشن عظیمی از خدا (تثلیث) و فرشتگانش خواهد بود. کلیسای پدر خواهد بود. خالق انسان مخلوق خود را از چنگ شیطان در آورده است. نسل به نسل، پاکسازی می کند و روز بروز به تعداد فرزنداناش می افزاید. صحبت از ملکوت آسمان است. چیزی است که همه باید در نظر داشته باشیم. اینطور نیست که دعا می کنیم و می گذاریم دست خدا. اگر **بیدار باشید** را نادیده بگیریم، شیطان دست بالا را خواهد داشت. باید کلام را بشکافیم و بخوریم تا بدست آوریم. می دانید چرا همشکل عیسی شدن عجیب بنظر می رسد... چون کار ما نیست. جنبه روحانی دارد. تنها امکانش در کلیسا است. باید از کلیسا بخواهیم، بگوئیم، و بجوئیم. این قدم اول است. تا آنها در این راه قدم بر نداشته اند، نمی توان اعتبار و اعتماد به آنها داشت. اما اگر توانا و شایستگی کار را دارند، قدم بعدی ما اینست که بخواهیم ما را در کلام پرورش دهند. این ممکن است مسئله شخصی، خانوادگی، زناشویی، غیره، هر چه باشد را، از طریق کلام و روح القدس که درون خود داریم انجام رسانند. اما توکل به پرورش آنها نمی کنیم. برداشت خود را می نویسیم و خادمین کلیسا برداشت ما را در محور تنگ و باریک خدا، تصحیح و آماده برداشت می کنند. هر موضوعی آیات مربوط به خود را دارد، و همه شامل نظر خاص خدا نسبت به موضوع می باشند. فرزند خدا وقتی متکی بر روح القدس که درون خود هست می گردد، کلام خدا جنبه شخصی پیدا می کند، و رابطه با یکدیگر برقرار می گردد. این رابطه ما با خداست (خالق ما).

۳۲: سپس تمام قومهای روی زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من ایشان را از هم جدا خواهم کرد، همان طور که یک چوپان، گوسفندان را از بزها جدا می کند؛

راجع به آن قبلاً خوانده بودیم. می گوید، **گوسفندان را از بزها جدا می کند.** همه زیر دست چوپان بار آمده بودند... اما تعدادی گوسفند بودند و تعدادی بز. البته منظورش حیوانات نیست. پس منظورش چیست....؟ بعضی تجربه (عمل) کرده بودند، و دیگران تنها شنیده بودند و ایمان نداشتند. "**و لیکن مرد باطل، آیا میخواهی دانست که ایمان بدون اعمال، باطل است؟**" (یعقوب ۲: ۲۰ قیم). این را به کلیسا نیز می گوید، **ایمان بدون اعمال، باطل است.** چگونه عمل می کنیم نیز دست خودمان نیست. همانطور که کلیسا اصول و قوائدی دارد، چگونگی عملش نیز اصول و قوائد خود را دارد. اگر هدف تقدیس نباشد، مکتب آن با آنچه در این کتاب درج شده فرق

دارد. آنچه کلام می گوید را ممکن است به شکل های مختلف تفسیر کرد، ولی نتیجه آن یکیست، و منحصر به فرد است. هر تجربه ای مقطع و زمانه خود را دارد، و بستگی به نیازی است که دارد. این نیاز ها را کلیسا برآورده می نماید. خدا اینگونه کار می کند. اگر بخواهیم گوسفند باشیم بجای بز، چکار باید بکنیم...؟ بایستی از شبان بخواهیم و بگوئیم... تا او ما را از طریق کلام برکت دهد. تفسیر و برداشت او را نمی خواهیم. باید مشاوره او را در اجرای کلام و دریافت جواب لازم بداریم. از ما شروع می شود. اما اگر خبر برسد که کلیسایی هست که مسائل و مشکلات مردم حل می کند، شبان و خادمین بسیاری لازم خواهد شد. آنکه ایمان دارد بشنود. آنچه در راه کلام بکاریم، میوه خوب می آورد، و بذر بیشتری را برای ادامه کشت و کار می دهد. کلیسا ایمانش را دارد، راهش را نیز دارد، حال موقع عمل است. کار مشکل و انجام نشدنی نیست. اتفاقاً وقتی یک بار به انجام رسید، می بینید جنبه روحانی آن بسیار قوی و خود گردان است. مذهب این برکت را حواله می دهد به قیامت. عیسی می گوید آخر عمرتان با من کار دارید. حال که چشیده اید و اینجا رسیده اید، چیست که از من دارید ... که نشان دهید؟ یک ایماندار را از ایماندار دیگری چگونه می سنجد...؟ از آنچه تجربه کرده (شباهت به خدا). آنکه میوه نیاورده، برایش متاسفیم. **پس بیدار باشید.**

۳۳: گوسفندها را در طرف راستم قرار می دهم و بزها را در طرف چپم.

منظور چیست...؟ ... قضاوت. ما در کلیسا نیز قضاوت را داریم. البته کلیسای فارسی زبان به آنجا نرسیده که لازم باشد کسی را قضاوت کند. فعلاً همگی در معرض خطر هستند و کسی نیست که نیاز به محافظت داشته باشد! در باز است و رفت آمد ها بسیار. جویندگان بسیارند، اما مکتب بی مایه است. کلیسا مردم پسند شده. می گویند ... اصل موضوع محبت است ... و ما داریم محبت می کنیم ... آنچه "نیاز" دارند را داریم فراهم می کنیم. اما بسیاری در این دنیا "محبت" می کنند. **"اگر تنها در این زندگی به مسیح امیدواریم، حال ما از همه دیگر آدمیان رقت انگیزتر است"** (اول قرنیتان ۱۵: ۱۹ هزاره).

آنچه می سازید با آنچه ایمان آوردید، فرق می کند. خدا را خوش نمی آید فرزندان را میان گرگان رها کنید. این فرزندان را همان خدائی که شما را نجات داد به دست شما سپرده. اگر مطابق کلام با ایشان رفتار کنید، سخره کلیسای شما خواهند شد. اما خوراک فرزند، متکی به دانش و برداشت شما ندارد. هر فرزند ... روح القدس را در خود دارد که خواست ویژه خدا را در او به انجام می رساند. این خواست ویژه خدا معمولاً از نیاز یا مشکلی آغاز می گردد که در آن موقع دارند. این کار احتیاج به یک یا دو نفر خادمین کلیسا دارد تا هر هفته او را در آیات کلام متمرکز نگاه دارند تا جوابش را خودش دریافت نماید. این پله اول عیسی برای رسیدن به قیامت اوست. وقتی کلیسا نیز، آیات خدا را تبدیل به میوه می کند، در قیامت خود نیز، قابل قبول عیسی واقع می گردد.

کلیسا باید در دست اعضا باشد نه بر عکس. خوراکی که کلیسا می دهد مربوط به خواست و نیاز ویژه هر یک از اعضاست. اعضا هستند که مسئول رشد روحانی خود هستند، نه خادمین.

اگر از خادمین نخواهید، آنها خوراکی را که بنظر خودشان می رسد، خواهند داد. عیسی می گوید هر ایماندار مسئول حیات روحانی خودش است. کلیسا مسئول رشد روحانی شماست ... تا زمانی که بخواهید، بکوبید، و بجوئید. شیطان است که همه جا را پر از موانع کرده. ایمان را آورده ایم، و حال..... تا در این عمر زندگی می کنیم، باید بخواهیم، بکوبیم، و بجوئیم تا هر چه بیشتر تجربه کسب کنیم و شبیه عیسی بشویم. نجاتی که یافتیم نشانه کوچکی از بهشت را به ما داد. در دلمان احساس خوبی می کنیم. او روح القدس درون ماست که احساس خوبی را بما می دهد. اوست که جاذبه خدا را دارد، و ما را به وجد می آورد. ایماندارانی که به زبان ها تکلم می کنند به همین خاطر است. "حنا در دل خود سخن می گفت و لبانش فقط می جنبید بی آنکه صدایش شنیده شود. از این رو، عیسی گمان برد که مست است." (اول ساموئیل ۱: ۱۳ هزاره).

همه بگونه ای می خواهیم روح القدس را پرستش کنیم. اما روح القدس تشنه کلامش نیز هست. این تشنگی است که میوه می آورد و او را قابل قبول عیسی می سازد. حواسمان باید به کلام، و آنچه راجع به آینده گفته، نیز باید باشد. اگر نه، مطابق با خواست و اراده خودمان عمل خواهیم کرد. این را خدا نمی خواهد. اینجا آنچه خدا به بی ایمانان گفته ... به ایماندارانی که مورد قبول عیسی واقع نمی شوند (یادمان باشد نیمی از ایمانداران) صدق می کند. کلام خدا می فرماید، "پیش روی انسان راهی هست که در نظرش درست می نماید، اما در آخر به مرگ می انجامد." (امثال ۱۴: ۱۲ هزاره). فرزندان نیاز به گوشت خوردن دارند نه آنکه در شیر خواری نگاهشان داریم. البته بسیاری هستند که مکتب خود، و کلیسای خود را دارند. چرا....؟ چون کلیسایشان مردم پسند شده. قیامت در مکتبشان بهشت است و بس، حال چه عیسی بپذیرد یا نپذیرد. آنچه کلام راجع به قیامت گفته مربوط به مکتبشان نمی باشد. حتماً اگر خودشان بودند به خدا می گفتند از این حرف ها نزن ... خوشمان نمی آید ...! یهودیان با مکتب دنیوی آشنا بودند و هنوز گرفتار آن می باشند. اگر نجات را دریافت کرده ایم و از آن خوشمان می آید ... بهتر است کلام را اطاعت کنیم و سهم خود را نیز ... دریافت نمائیم. فرزندان خدا را ... (و خود را) مطیع خودمان نکنیم. خدا را به آنها بشناسانیم. اما ابتدا باید خودمان شناخته باشیم. آنوقت مکتب ما مسیحی خواهد شد. اشکال اینجاست که برداشت کافی از بهشت نداریم. ببینید کلام راجع به بهشت چه می گوید....

سپس آسمانی جدید و زمینی جدید دیدم، زیرا آسمان اول و زمین اول سپری شده بود و دیگر دریایی وجود نداشت. و شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از آسمان از نزد خدا پایین می آمد، آماده شده همچون عروسی که برای شوهر خود آراسته شده باشد. و از تخت، صدای بلندی شنیدم که گفت: «اینک، مسکن خدا با آدمیان است، و او با آنها ساکن خواهد شد؛ و ایشان قوم او خواهند بود، و خود خدا با ایشان خواهد بود و خدای ایشان خواهد بود. او هر اشکی را از چشمان آنها پاک خواهد کرد. و دیگر مرگ نخواهد بود؛ و ماتم و شیون و درد وجود نخواهد داشت، زیرا چیزهای اول سپری شد. (مکاشفه ۲۱: ۱ تا ۴ هزاره).

۳۴: «آنگاه به عنوان پادشاه، به کسانی که در طرف راست مانند خواهم گفت: "بیایید ای عزیزان پدرم! بیایید تا شما را در برکات ملکوت خدا سهیم گردانم، برکاتی که از آغاز آفرینش دنیا برای شما آماده شده بود.

بهشت برکت دارد و لعنت جایی در آن ندارد. صحبت از دنیای جلال یافته است. فرشتگان نسل گذشته ما را خدمت می کنند (تازه ثابت شد)، و آخر عمر ما، ما نیز چنین خدمتی را خواهیم داشت. این برنامه خدا بوده، هست، و خواهد بود. **بیایید تا شما را در برکات ملکوت خدا سهیم گردانم.** لطیفه ای هست که می گوید روزی فرزندی می رود بهشت. آنجا هر چه می خواهد می خورد ... دل درد نمی گیرد ... و بخود می گوید ... اگر می دانستم اینجا اینقدر خوب هست زودتر می آمدم. آنوقت صدای بلندی از آسمان آمد ... که اگر آنقدر ویتامین نخورده بودی زودتر می آمدی ...!

اما خارج از شوخی، تجربه خدا ... زندگی بهشتی ما را ... می سازد. روح القدس تشنه کلامش می باشد ... و به همین جهت ... وقتی اشکالی در پیش است ... هشدار را می دهد ... چون مسئول زندگی خداگانه ماست.

تجربه ... آنگونه که کلام ... راهش را نشان داده ... فرزند را با پدرش (بهشت) آشنا می سازد. بهره آن نیز از طریق روح القدس که درون خود داریم بدست ما می رسد ... "ای جان من، خداوند را متبارک بخوان و هیچ یک از همه احسانهایش را فراموش مکن! که همه گناهانت را می آمرزد، و همه بیماریهایت را شفا می بخشد!" (مزمور ۱۰۳: ۳ و ۴ هزاره). **همه گناهانت را می توان ... نیاز های روح القدس شمرد ... که در ماست. حال ... چگونه می آمرزد ...؟** با دعا ... خیر. با انتظار ... خیر. پس چگونه می آمرزد ...؟ با بکار بردن کلامی که مربوط به نیازش می باشد.

روح القدس تشنه کلامش است ... تا بیشتر از برکاتی که از آغاز آفرینش دنیا برای ما آماده شده ... بدست آوریم. بهشت ... از این عمری که داریم ... آغاز می شود. هم بهره آن را در زندگی می بینیم، و هم جای خود را در بهشت فراهم ساخته ایم. یوحنا می گوید، "در خانه پدر من منزل بسیار است، و گرنه به شما می گفتم. می روم تا مکانی برای شما آماده کنم. و آنگاه که رفتم و مکانی برای شما آماده کردم، باز می آیم و شما را نزد خود می برم، تا آنجا که من هستم شما نیز باشید. جایی که من می روم راهش را می دانید" (یوحنا ۱۴: ۲ تا ۴ هزاره). خدا بیش از آنچه نیازمان هست، بما می دهد. بله راهش را حالا می دانیم. آمین. خدا را شکر.

متی ۲۵

۳۵: زیرا وقتی من گرسنه بودم،
شما به من خوراک دادید؛
تشنه بودم، به من آب دادید؛
غریب بودم، به من جا دادید؛
۳۶: برهنه بودم، به من لباس دادید؛
بیمار و زندانی بودم، به عیادت آمدید."
۳۷: «نیکوکاران در پاسخ خواهند گفت:
"خداوندا، کی گرسنه بودید تا به شما خوراک بدهیم؟
کی تشنه بودید تا به شما آب بدهیم؟
۳۸: کی غریب بودید تا شما را به منزل ببریم
یا برهنه بودید تا لباس بپوشانیم؟
۳۹: کی بیمار یا زندانی بودید تا به ملاقات شما بیاییم؟"
۴۰: «آنگاه به ایشان خواهم گفت:
"وقتی این خدمتها را به کوچکترین برادران من می کردید،
در واقع به من می نمودید."

۳۵: زیرا وقتی من گرسنه بودم، شما به من خوراک دادید؛ تشنه بودم، به من آب
دادید؛ غریب بودم، به من جا دادید؛
۳۶: برهنه بودم، به من لباس دادید؛ بیمار و زندانی بودم، به عیادت آمدید."

محبت اعضای کلیسا نسبت به یکدیگر حیاتیست. اگر از حمایت یکدیگر برخوردار نباشیم، آن
دو یا سه نفر را در زندگی روحانی از دست می دهیم. خصوصاً زمانی که خسته و فرسوده
شده ایم. وقتی ضعیف می شویم، زمان نیست که باید در دعا از روح القدس بخواهیم در ذهن ما
بماند. اما می گوید همه چیز باید با ایمان انجام بگیرد، "دعای با ایمان، بیمار را شفا می بخشد
و خداوند او را برمی خیزاند، و اگر گناهی کرده باشد، آمرزیده می شود". (یعقوب ۵: ۱۵ هزاره).
حال چرا این موضوع را در صحبت از ملکوت آسمان می کند؟ چون این افراد در حال پرورش
نسل بعدی ملکوت خدا می باشند. آنچه فرزند خدا ارزش دارد را اینجا مشاهده می کنیم. عیسی
جانش را داد، تا از قصد همه چیز بر وفق خدا انجام بگیرد. اگر خود را در روح القدس ببینیم،
خدا هر آنچه در حال انجام آن هستیم را برکت خواهد داد.

می گوید، شما به من خوراک دادید؛ تشنه بودم، به من آب دادید. این کار های ما بدون پاداش نخواهند ماند. اینگونه، در خدمات برادر و خواهران خود، شریک می شویم. هر چه خدا را بالا ببریم، خدا ما را بالا می برد. چگونه.....؟ چون خدا در خود ماست که بالا برده ایم.

۳۷: «نیکوکاران در پاسخ خواهند گفت: "خداوند، کی گرسنه بودید تا به شما

خوراک بدهیم؟ کی تشنه بودید تا به شما آب بدهیم؟

۳۸: کی غریب بودید تا شما را به منزل ببریم یا برهنه بودید تا لباس بپوشانیم؟

۳۹: کی بیمار یا زندانی بودید تا به ملاقات شما بیاییم؟"

نیکوکاران کدامند....؟ ایماندارانی که فکر می کنند نیکوکار هستند و عیسی به آنها می گوید، "براستی به شما می گویم، من شما را نمی شناسم!" (۱۲). نمی دانستند چکار باید بکنند.

می پرسند ... کی! چرا...؟ چون با روح القدس تماس نداشتند. روح القدس است که خواست خدا را بما می گوید. اما اگر با صدای او آشنا نباشیم، امکان کمی هست که خواست خدا انجام بگیرد. وقتی می گوید، کی، می دانیم که قبلاً روح القدس تماس را گرفته بوده و ما گوش ندادیم، و به این خاطر است که می گویند... کی. و به همین خاطر است که اهمیت شناخت روح القدس در این فصل از کلام، برای ما آشکار شده. از نیاز ما شروع می شود... و در کلیسا به انجام می رسد. این خلاصه خواست خداست. هر که ایمان دارد، بشنود.

۴۰: «آنگاه به ایشان خواهم گفت: "وقتی این خدمتها را به کوچکترین برادران

من می کردید، در واقع به من می نمودید."

منظور از کوچکترین برادران من چیست...؟ "زیرا او که مقدس می سازد و آنان که مقدس می شوند، همه از یک تبارند. از همین رو، عیسی عار ندارد ایشان را برادر بخواند." (عبرانیان ۲: ۱۱ هزاره). آنکه در دنیای از جلال افتاده، می خواهد.... می کوبد.... و می جوید، تا در راه تقدیس خدمت نماید، محتاج حمایت ماست. ایمان باید تبدیل به تقدیس گردد. اگر نه، چه می شود....؟ قابل قبول واقع نمی شود. نباید این حقایق را فراموش کنیم. پطرس قبلاً بما گفته بود... "پس این امور را همواره به شما یادآوری خواهم کرد، هرچند آنها را می دانید و در آن حقیقت که یافته اید، استوارید. آری، مصلحت چنین می دانم تا آنگاه که در این خیمه ساکنم، شما را از طریق یادآوری برانگیزانم،" (دوم پطرس ۱: ۱۲ و ۱۳ هزاره).

حتی کسی که در خدا ساکن (استوار) است، نیاز به یادآوری دارد. اگر تنها هستیم، باید چند نفر ایماندار را برای یادآوری (تشویق) خود پیدا کنیم. این خدمتها را عیسی فراموش نمی کند، و می گوید، در واقع به من می نمودید.

۴۱: «سپس به کسانی که در طرف چپ من قرار دارند، خواهم گفت: «ای لعنت شدگان از اینجا بروید و به آتش ابدی داخل شوید که برای ابلیس و فرشتگان او آماده شده است. ۴۲: زیرا گرسنه بودم و شما به من خوراک ندادید؛ تشنه بودم و به من آب ندادید؛ ۴۳: غریب بودم و به من جا ندادید؛ برهنه بودم و مرا نپوشانیدید؛ بیمار و زندانی بودم و شما به ملاقاتم نیامدید.» ۴۴: «آنها جواب خواهند داد: «خداوندا، کی شما گرسنه و تشنه یا غریب و برهنه یا بیمار و زندانی بودید و ما خدمتی به شما نکردیم؟» ۴۵: «در جواب خواهم گفت: «وقتی به کوچکترین برادران من کمک نکردید، در واقع به من کمک نکردید.» ۴۶: «و این اشخاص به مجازات جاودان خواهند رسید، ولی نیکوکاران به زندگی جاوید خواهند پیوست.»

۴۱: «سپس به کسانی که در طرف چپ من قرار دارند، خواهم گفت: «ای لعنت شدگان از اینجا بروید و به آتش ابدی داخل شوید که برای ابلیس و فرشتگان او آماده شده است.»

به کسانی که از روح القدس (که با دادن جان به آنها بخشیده بود)، استفاده نکرده بودند، و تنها برای زندگی خودشان از آن استفاده کردند، می گوید، **ای لعنت شدگان از اینجا بروید**. بلکه برادر و خواهر مسیحی، اگر بخواهیم مطابق با همه کلام زندگی کنیم، و نه آنکه آیاتی را قبول و آیاتی را نادیده بگیریم، آنوقت می بینیم که تجربه در کلیسا است که خدا در کلامش تاکید می نماید. ما همه قبل از ایمان **لعنت شدگان** بودیم ... نجات را یافتیم تا آن **لعنت** را ... خدا از ما درآورد.

چگونه در می آورد...؟ از روح القدس که درون هر یک از ماست... و... کلامی که مربوط به ماست. مفت چنگ است، چه بخواهیم چه نخواهیم.

این کار چگونه انجام می گردد...؟ در کلیسا. دو یا سه نفر باید حضور داشته باشند تا عیسی حضور پیدا کرده و کلامش مورد قبول او واقع گردد. این همان تقدیس است که خدا می خواهد.... "بلکه همچون آن قدوس که شما را فرا خوانده است، شما نیز در همه رفتار خویش مقدس باشید؛ چرا که نوشته شده است: «مقدس باشید، زیرا من قدوسم»." (اول پطرس ۱: ۱۵ و ۱۶ هزاره). اگر کلیسای فارسی زبان امروزه، تصمیم بگیرد هدف خود را تقدس بگمارد و آن را اجرا نماید، آنچه مربوط به این فصل از کتاب می شود را به انجام رسانده است. حال انتخاب با کلیسا و اعضایش است که مکتب روحانی خدا را پیش می گیرند، یا مخلوطی از این و آن. آنکه ایمان دارد بشنود.

- ۴۲: زیرا گرسنه بودم و شما به من خوراک ندادید؛ تشنه بودم و به من آب ندادید؛
 ۴۳: غریب بودم و به من جا ندادید؛ برهنه بودم و مرا نپوشانیدید؛ بیمار و زندانی بودم و شما به ملاقاتم نیامدید."
 ۴۴: «آنها جواب خواهند داد: "خداوندا، کی شما گرسنه و تشنه یا غریب و برهنه یا بیمار و زندانی بودید و ما خدمتی به شما نکردیم؟"
 ۴۵: «در جواب خواهم گفت: "وقتی به کوچکترین برادران من کمک نکردید، در واقع به من کمک نکردید."

توجه کنید ... همان کلامی که برای نیکوکاران استفاده کرده بود را ... در اینجا برای بی ایمانان استفاده می کند. آنکه ایمان آورده ولی نشانی از عیسی در او نیست، مانند بی ایمانان می ماند. مخصوصاً همان سوالات را نیز عنوان کرده، چون قضاوت خدا مطلق است ... و همه در برابر قضاوت مطلق و پر جلال خدا ... حضور خواهیم یافت. اما می گوید نکردید. آنچه روح القدس از شما خواسته بود را نکردید! ... "وقتی به کوچکترین برادران من کمک نکردید، در واقع به من کمک نکردید".

- ۴۶: «و این اشخاص به مجازات جاودان خواهند رسید، ولی نیکوکاران به زندگی جاوید خواهند پیوست».

کلیسا کمتر صحبت از مجازات می کند. چرا...؟ چون مجازات مردم پسند نیست. باید پرسید، کدام بیشتر مردم پسند می باشند ... ما یا خدا. مگر ما جانمان را دادیم ... تا نجات یابیم. گول شیطان را نخوریم و حقیقت را بازگو نمائیم. خداست که از طریق روحش ... امور زندگی ما را در دست دارد ... نه ما. اگر مطیع کلامش باشیم، قابل قبول واقع می شویم ... اگر نه.... به مجازات جاودان خواهیم رسید. این را من نمی گویم، کلام خدا می گوید. هر که ایمان دارد بشنود. آمین

فهرست زیر نویس های فصل بیست و پنجم

(۱) برداشت جامع از مسئله:

<http://www.moshaveremasihi.com/Guest-Book.html>

(۲) زمینه سازی کار روح القدس:

۱. باید قبول کرده باشد که روح القدس خود خداست.
۲. باید قبول کرده باشد که روح القدس در او ساکن است.
۳. باید قبول کرده باشد که وقتی روح القدس کلامش را در او شنید. آن باعث ایمان او گردید.
۴. باید قبول کرده باشد که روح قدوس + کلام قدوس = قدوسیت را در او بجا می آورد (بهشتی).
۵. باید قبول کرده باشد که روح القدس در او، جواب را به او خواهد داد.
۶. باید قبول کرده باشد که جلال به خدا، جلال را به او نیز می دهد، چون در او ساکن است.

این ۶ مورد باید

قبل از مشاوره و همچنین در میان دوره مشاوره
مورد بررسی و درک فرزند قرار گرفته باشد

(۳) راه تنگ و باریک کلام با خواندن کتاب مکتب روحانی مشاوره مسیحی بدست می آید:

<http://www.moshaveremasihi.com/Ketab-Ha.html>

(۴) تدریس مشاوره مسیحی : <http://www.moshaveremasihi.com/Teach.html>

(۵) جوانب عملی کلام خدا : <http://www.moshaveremasihi.com/files/Doers.pdf>
